

سوالات قوانین خاص

آزمون اول:

۱- در صورتی که در حوزه قضایی شهرستان و در حوزه قضایی بخش دادگاه خانواده تشکیل نشده باشد، رسیدگی به امور مربوط به دعای خانوادگی به ترتیب در صلاحیت کدام مرجع می باشد؟

(۱) هر دو در نزدیک ترین دادگاه خانواده همان بخش یا شهرستان

(۲) نزدیک ترین دادگاه خانواده در استان - دادگاه عمومی بخش

(۳) دادگاه عمومی حقوقی همان شهرستان - اصولاً دادگاه عمومی بخش

(۴) دادگاه عمومی حقوقی همان شهرستان - مطلقاً دادگاه عمومی بخش

پاسخ: گزینه «۳» صحیح است.

در خصوص این سوال باید دقت داشت اصل بر این است که به دعای خانوادگی در دادگاه خانواده هر بخش یا شهرستان رسیدگی می گردد. با این حال با توجه به اینکه پس از تصویب قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱، دادگاه خانواده از وضعیت شعبه تخصصی به وضعیت دادگاه اختصاصی ارتقاء پیدا کرده است، لازم بود در حوزه های قضایی که نمی توانند سریعاً دادگاه خانواده تشکیل دهند مرجعی قرار داده شود تا به دعای و اختلافات خانوادگی رسیدگی گردد. بر همین اساس تبصره (۱) ماده ۱ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱ اشعار میدارد: «از زمان اجرای این قانون در حوزه قضائی شهرستانهایی که دادگاه خانواده تشکیل نشده است تا زمان تشکیل آن، دادگاه عمومی حقوقی مستقر در آن حوزه با رعایت تشریفات مربوط و مقررات این قانون به امور و دعای خانوادگی رسیدگی می کند».

در ادامه تبصره ۲ مقرر میدارد: «در حوزه قضائی بخشهایی که دادگاه خانواده تشکیل نشده است، دادگاه مستقر در آن حوزه با رعایت تشریفات مربوط و مقررات این قانون به کلیه امور و دعای خانوادگی رسیدگی می کند، مگر دعای راجع به اصل نکاح و انحلال آن که در دادگاه خانواده نزدیکترین حوزه قضائی رسیدگی می شود.»

ایراد گزینه ۱ و ۲ با این توضیحات روشن است. ایراد گزینه ۴ آن است که مطلقاً دعای را در صلاحیت دادگاه عمومی قرار داده است. این در حالی است که بر اساس تبصره ۲ برخی از دعای چون: اصل نکاح، فسخ نکاح و طلاق، از صلاحیت دادگاه عمومی خارج شده و در صلاحیت دادگاه خانواده قرار گرفته است. بنابراین درست این است که از واژه «اصولاً» در گزینه ها انتخاب می شد.

۲- یک مرد مسیحی ایرانی دعوای طلاق بر علیه همسر مسیحی ایرانی خود که مقیم جهرم است را اقامه می نماید. به دعوای مزبور در مرجع و بر اساس چه قانون رسیدگی می گردد؟

(۱) در دادگاه خانواده جهرم و بر اساس مذهب رسمی زوجین

(۲) در دادگاه عمومی جهرم و بر اساس قانون مدنی ایران

(۳) در دادگاه خانواده تهران و بر اساس مذهب رسمی زوجین

(۴) در دادگاه عمومی تهران و بر اساس قانون مدنی

پاسخ: گزینه «۱» صحیح است.

در خصوص این سوال ابتدا باید دقت داشت که بر اساس ماده ۲ قانون حمایت از خانواده و اصل ۱۳ قانون اساسی به دعاوی مربوط به احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه (زرتشتی، مسیحی و کلیمی) بر اساس مذهب رسمی آنان رسیدگی می‌گردد. از سوی دیگر، بر اساس ماده ۱۱ ق.آ.د.م رسیدگی به دعا بر اساس قاعده صلاحیت محلی در دادگاه محل اقامتگاه خوانده (جهرم) صورت می‌پذیرد.

۳- کدام یک از گزینه‌های زیر در خصوص تفاوت حکم طلاق با گواهی عدم امکان سازش صحیح است؟

(۱) در مواردی که طلاق توافقی یا به درخواست زوج باشد گواهی عدم امکان سازش و در صورتی که طلاق به درخواست زوجه باشد حکم طلاق صادر می‌گردد.

(۲) مدت اعتبار حکم طلاق شش ماه پس از تاریخ ابلاغ رأی فرجامی یا انقضای مهلت فرجام خواهی است، مدت اعتبار گواهی عدم امکان سازش برای تسلیم به دفتر رسمی ازدواج و طلاق سه ماه پس از تاریخ ابلاغ رأی قطعی یا قطع شدن رأی است.

(۳) حکم طلاق دارای اعتبار امر مختومه بوده در حالی که گواهی عدم امکان سازش اعتبار امر مختوم ندارد.

(۴) همه گزینه‌ها صحیح هستند

پاسخ: گزینه «۴» صحیح است.

بر اساس ماده ۲۶ قانون حمایت از خانواده: «در صورتی که طلاق، توافقی یا به درخواست زوج باشد، دادگاه به صدور گواهی عدم امکان سازش اقدام و اگر به درخواست زوجه باشد، حسب مورد، مطابق قانون به صدور حکم الزام زوج به طلاق یا احراز شرایط اعمال وکالت در طلاق مبادرت می‌کند».

گزینه «۲» بر اساس ماده ۳۳ قانون حمایت از خانواده صحیح است. گزینه «۳» نیز از نتایج اصول حاکم بر آیین دادرسی مدنی است.

۴- کدام یک از گزینه‌های زیر صحیح نیست؟

(۱) اعتبار پروانه وکالت سه سال است و تمدید آن منوط به درخواست متقاضی می‌باشد.

(۲) مرجع رسیدگی به صلاحیت نامزدها هیأت مدیره کانون وکلا، دادگاه عالی انتظامی قضات بوده که مکلف است ظرف حداکثر دو ماه نسبت به این موضوع اظهارنظر نماید.

(۳) مجازات انتظامی تخلف اعضای هیأت مدیره از وظایف قانونی تنها محرومیت دایم از عضویت در هیأت‌های مدیره کانونهای وکلایست.

(۴) در صورتی که وکلا در محلی غیر از محل شهر خود اقدام به تأسیس دفتر وکالت نمایند به مجازات انتظامی درجه ۳ در نوبت اول و درجه ۴ در نوبت دوم و درجه ۵ در نوبت سوم محکوم می‌گردند.

پاسخ: گزینه «۳» صحیح است.

گزینه اول بر اساس تبصره ۵ ماده ۲ قانون کیفیت اخذ پروانه دادگستری صحیح است.

گزینه دوم بر اساس تبصره ۱ ماده ۴ قانون فوق‌الاشاره صحیح است.

در خصوص گزینه ۳ باید دقت داشت به استناد ماده ۵ قانون کیفیت اخذ پروانه دادگستری: «در صورت تخلف هر یک از اعضای هیأت مدیره کانونهای وکلای دادگستری از مفاد این قانون به حکم دادگاه عالی انتظامی قضات علاوه بر محرومیت دایم از عضویت در هیأت‌های مدیره کانونهای وکلا به انفصال از وکالت به مدت دو تا پنج سال محکوم خواهند شد». ایراد گزینه با این توضیحات روشن می‌گردد.

گزینه ۴ نیز بر اساس ماده ۶ همان قانون صحیح خواهد بود.

۵- مراجع حل اختلاف بین کارگر و کارفرما عبارتند از..... و اجرای رأی قطعی مراجع یاد شده در صورت می‌گیرد.

(۱) شورای کارگاه، هیأت تشخیص، هیأت حل اختلاف، دیوان عدالت اداری / توسط اجرای احکام حوزه قضایی محل وقوع کارگاه

(۲) هیأت تشخیص (مرجع بدوی)، هیأت حل اختلاف (مرجع تجدیدنظر) / توسط اجرای احکام حوزه قضایی محل وقوع کارگاه

(۳) هیأت تشخیص (مرجع بدوی)، هیأت حل اختلاف / توسط اجرای احکام حوزه قضایی مرجع بدوی حل اختلاف

(۴) شورای کارگاه، هیأت تشخیص، هیأت حل اختلاف / توسط اجرای احکام حوزه قضایی هیأت تشخیص (مرجع بدوی)

۵- گزینه «۱» صحیح است.

به استناد بند ۲ ماده ۱۰ ق.د.ع.ا و فصل نهم قانون کار مواد ۱۵۷ الی ۱۶۶

آزمون دوم:

۶- کدام یک از گزینه‌های زیر در خصوص «دستور موقت» صادره از سوی دیوان عدالت اداری صحیح نیست؟

(۱) در صورتی که اصل شکایت در شعبه بدوی مطرح باشد درخواست دستور موقت نیز از همان شعبه بعمل می‌آید.

(۲) در صورتی که اصل دعوا در هیأت عمومی باشد، درخواست دستور موقت باید به یکی از شعب بدوی ارجاع شود.

(۳) اجرای دستور موقت صادره از سوی شعب بدوی و تجدیدنظر دیوان عدالت اداری مستلزم تأیید رئیس دیوان عدالت اداری است.

(۴) دستور موقت موضوع قانون دیوان عدالت اداری مستلزم پرداخت تأمین نیست.

پاسخ: گزینه «۳» صحیح است.

در خصوص گزینه «۱» باید دقت کرد بر اساس بخش اول ماده ۳۶ قانون دیوان عدالت اداری: «مرجع رسیدگی به تقاضای صدور دستور موقت موضوع ماده (۳۴) این قانون، شعبه‌ای است که به اصل دعوی رسیدگی می‌کند...». بنابراین این گزینه صحیح است.

در خصوص گزینه «۲» نیز باید توجه داشت برابر با شق دوم ماده ۳۶ قانون دیوان عدالت: «... در مواردی که ضمن درخواست ابطال مصوبات از هیأت عمومی دیوان، تقاضای صدور دستور موقت شده باشد، ابتداء پرونده جهت رسیدگی به تقاضای مزبور به یکی از شعب ارجاع می‌شود...» بر اساس این بند، هرگاه اصل دعوا در صلاحیت هیأت عمومی دیوان عدالت اداری باشد، تقاضای دستور موقت باید یکی از شعب بدوی بعمل آید. زیرا هیأت عمومی دیوان عدالت اداری شأن رسیدگی به درخواست دستور موقت و امثالهم را ندارد. پس این گزینه نیز مطابق قانون است.

در خصوص گزینه «۳» باید دقت کرد به موجب ماده ۷۳ قانون دیوان عدالت اداری: «هرگاه در مرحله تجدیدنظر تقاضای صدور دستور موقت شود، اتخاذ تصمیم با شعبه تجدیدنظر است. اجرای دستور موقت مستلزم تأیید رئیس دیوان است...» چنین ماده‌ای در دستور موقت مرحله بدوی دیوان عدالت اداری پیش‌بینی نشده و نظر به شکلی بودن نصوص قانونی باید چنین نتیجه گرفت که اگر دستور موقت از شعب بدوی

دیوان عدالت اداری صادر شده باشد، در این صورت نیازی به تأیید رئیس دیوان عدالت اداری ندارد؛ در حالی که اگر دستور موقت ابتدا به ساکن از شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری صادر شود، برای اجرا باید به تأیید رئیس دیوان عدالت اداری برسد. نتیجه‌ای که نه منطقی است و نه مبنایی می‌توان برای آن یافت. با این حال در سوالات آزمون‌ی نص و ظاهر ماده برای طراحان سوال معیار و ملاک محسوب می‌گردد. بنابراین، حق همان است که بیان شد.

در خصوص گزینه «۴» نیز باید گفت در قانون دیوان عدالت اداری ماده‌ای که دال بر لزوم پرداخت تأمین از سوی شاکی برای صدور دستور موقت باشد وجود ندارد. بنابراین، به سادگی می‌توان نتیجه گرفت که صدور دستور موقت در دیوان عدالت اداری مستلزم پرداخت تأمین یا مشابه آن نیست.

۷- کدام یک از گزینه‌های زیر در خصوص رأی خلاف بین شرع در دیوان عدالت اداری، صحیح است؟

(۱) رأی خلاف بین شرع رأیی است که دو سوم از اعضای هیات عمومی دیوان آن را خلاف شرع تشخیص داده و این امر به تأیید شورای نگهبان هم رسیده باشد، در این صورت، شعبه دیوان مکلف به رسیدگی مجدد به این رأی می‌باشد.

(۲) در صورتی که رئیس قوه قضائیه یا رئیس دیوان، رأی قطعی شعب دیوان را خلاف بین شرع یا قانون تشخیص دهند، رئیس دیوان فقط برای یک بار پرونده را برای رسیدگی ماهوی و صدور رأی به شعبه هم‌عرض ارجاع می‌نماید.

(۳) در صورتی که رئیس قوه قضائیه، رأی قطعی شعب دیوان را خلاف بین شرع یا قانون تشخیص دهند، رئیس دیوان پرونده را برای رسیدگی ماهوی و صدور رأی به شعبه هم‌عرض ارجاع می‌نماید.

(۴) در صورتی که رئیس دیوان، رأی قطعی شعب دیوان را خلاف بین شرع یا قانون تشخیص دهند، می‌تواند فقط برای یک بار پرونده را برای رسیدگی ماهوی و صدور رأی به شعبه هم‌عرض ارجاع می‌نماید.

پاسخ: گزینه «۲» صحیح است.

به موجب ماده ۷۹ قانون دیوان عدالت ۱۳۹۲: «در صورتی که رئیس قوه قضائیه یا رئیس دیوان رأی قطعی شعب دیوان را خلاف بین شرع یا قانون تشخیص دهند، رئیس دیوان فقط برای یکبار با ذکر دلیل پرونده را برای رسیدگی ماهوی و صدور رأی به شعبه هم‌عرض ارجاع می‌نماید. رأی صادر شده قطعی است.» در خصوص این ماده باید توجه داشت:

الف- مشابه این ماده در قانون آیین دادرسی مدنی وجود ندارد. اما به موجب ماده ۴۷۷ ق.آ.د.ک در صورتی که رئیس قوه قضائیه رأی قطعی صادره (حقوقی، کیفری) را خلاف بین شرع تشخیص دهد، رسیدگی مجدد به موضوع، به یکی از شعب دیوان عالی کشور که به این امر اختصاص یافته است محول خواهد شد.

ب- تفاوت هایی بین ماده ۷۹ قانون دیوان عدالت اداری و ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری وجود دارد که به قرار ذیل است:

اولاً- در ماده ۴۷۷ ق.آ.د.ک تنها رئیس قوه قضائیه از اختیار تشخیص رأی برخلاف بین شرع برخوردار است در حالیکه در دیوان عدالت اداری علاوه بر رئیس قوه قضائیه، رئیس دیوان عدالت اداری نیز می‌تواند خلاف شرع بین بودن رأی را تشخیص دهد. در این مورد باید دقت کرد در هر حال پرونده از طریق رئیس دیوان عدالت اداری به شعبه هم‌عرض ارجاع داده خواهد شد.

ثانیاً- در ماده ۴۷۷ ق.آ.د.ک اگر رأی برخلاف شرع بین تشخیص داده شود، رسیدگی مجدد به یکی از شعب دیوان عالی کشور محول می‌گردد، در حالیکه در ماده ۷۹ قانون دیوان عدالت اداری، رسیدگی مجدد به شعبه هم‌عرض صادر کننده رأی در دیوان عدالت اداری ارجاع می‌گردد که حسب مورد می‌تواند شعبه بدوی یا تجدیدنظر باشد.

دانلود کتاب مجموعه قوانین خاص حقوقی و کیفری

۳- کدام یک از گزینه‌های زیر در خصوص شرایط صدور رأی ایجاد رویه در دیوان عدالت اداری صحیح است؟

(۱) هرگاه در موضوع واحد یا مشابه حداقل پنج رأی دست کم از سه شعبه دیوان صادر شده باشد، رئیس دیوان مکلف است موضوع را در هیأت عمومی مطرح نماید و هیأت عمومی مکلف است رأی ایجاد رویه صادر نماید.

(۲) هرگاه در موضوع واحد حداقل چهار رأی مشابه از یک یا چند شعبه دیوان صادر شده باشد، رئیس دیوان مکلف است موضوع را در هیأت عمومی جهت صدور رأی ایجاد رویه مطرح نماید.

(۳) هرگاه رئیس دیوان عالی کشور متوجه صدور آرای مشابه در موضوعات مشابه یا واحد شود، از هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تقاضای صدور رأی ایجاد رویه می‌نماید.

(۴) هرگاه در موضوع واحد حداقل پنج رأی مشابه از دو یا چند شعبه دیوان صادر شده باشد، رئیس دیوان می‌تواند موضوع را در هیأت عمومی مطرح نماید و هیأت عمومی می‌تواند رأی ایجاد رویه صادر نماید.

پاسخ: گزینه «۴» صحیح است.

به موجب ماده ۹۰ قانون دیوان عدالت اداری: «هرگاه در موضوع واحد حداقل پنج رأی مشابه از دو یا چند شعبه دیوان صادر شده باشد، رئیس دیوان می‌تواند موضوع را در هیأت عمومی مطرح و تقاضای تسری آن را نسبت به موضوعات مشابه نماید. در صورتی که هیأت عمومی آراء صادر شده را صحیح تشخیص دهد، آن را برای ایجاد رویه تصویب می‌نماید. این رأی برای سایر شعب دیوان، ادارات و اشخاص حقیقی و حقوقی مربوط لازم‌الاتباع است.» در خصوص رأی ایجاد رویه که در ماده ۹۰ قانون دیوان عدالت اداری پیش‌بینی شده است باید به این نکات ضروری توجه کرد:

۱- رأی ایجاد رویه در مواردی صادر می‌گردد که در موضوع واحد آرای مشابه صادر شده باشد در حالی که رأی وحدت رویه در موردی صادر می‌گردد که در موضوع واحد آرای مختلف صادر گردیده باشد.

۲- رأی ایجاد رویه در قانون آیین دادرسی مدنی وجود ندارد.

۳- رأی ایجاد رویه زمانی صادر می‌گردد که در موضوع واحد، دست کم ۵ رأی از دو یا چند شعبه دیوان عدالت اداری صادر شده باشد. بنابراین، اگر یک شعبه از دیوان در خصوص موضوعات واحد حتی ۵۰ رأی مشابه هم صادر کرده باشد، نمی‌توان آن را به رأی ایجاد رویه تبدیل کرد.

۴- رئیس دیوان عدالت اداری تکلیفی در تقاضای صدور رأی ایجاد رویه از هیأت عمومی ندارد. در صورت تقاضا نیز هیأت عمومی مکلف نیست رأی مزبور را به موارد مشابه تسری دهد. بلکه این امر تنها زمانی صورت خواهد گرفت که هیأت عمومی آرای صادره را مطابق با قانون و صحیح تشخیص دهد، ولی در صورت مطابقت با قانون مکلف به صدور رأی ایجاد رویه است.

آزمون سوم:

۸- در صورتی که شخصی ادعا داشته باشد که از تصمیمات و اقدامات واحدهای دولتی متحمل خساراتی شده است در این صورت کدام گزینه در خصوص رسیدگی به ادعای وی صحیح خواهد بود؟

(۱) احراز اصل ورود خسارات با دادگاه عمومی و محاسبه میزان خسارت با دیوان عدالت اداری است.

۲) محاسبه میزان خسارت در دیوان عدالت اداری منوط بر اثبات اصل ورود خسارات در هیأت یا کمیسیون مربوطه است.

۳) پس از اثبات ارکان سه گانه ورود خسارت (فعل زیانبار، ضرر وارده و رابطه سببیت) در دیوان عدالت اداری محاسبه میزان خسارت در صلاحیت دادگاه عمومی است.

۴) پس از اثبات ارکان سه گانه ورود خسارت (فعل زیانبار، ضرر وارده و رابطه سببیت) در دیوان عدالت اداری محاسبه میزان خسارت در صلاحیت دیوان عالی کشور است.

پاسخ: گزینه «۳» صحیح است.

هرگاه اشخاص حقیقی یا حقوقی ادعا داشته باشند که از تصمیمات و اقدامات واحدهای دولتی یا تصمیمات و اقدامات مأمورین واحدهای دولتی متحمل خسارات و زیان‌هایی شده‌اند، در این صورت ابتدا باید با تقدیم دادخواست به دیوان عدالت اداری اصل ورود خسارات را دیوان عدالت اداری اثبات نمایند. سپس در ادامه محاسبه میزان خسارات وارده در دادگاه عمومی صورت خواهد گرفت. تبصره ۱ ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری در این خصوص مقرر میدارد: «تعیین میزان خسارات وارده از ناحیه مؤسسات و اشخاص مذکور در بندهای (۱) و (۲) این ماده پس از صدور رأی در دیوان بر وقوع تخلف با دادگاه عمومی است». منظور از وقوع تخلف در این تبصره همان اثبات اصل ورود خسارات است. به عبارتی صرف تخلف برای مطالبه خسارات کافی نیست. بلکه شاکی باید اثبات نماید از تخلف صورت گرفته توسط واحدهای دولتی یا مأمورین واحدهای دولتی به ایشان خساراتی وارد شده و بین خسارات وارده و تخلف مزبور (تقصیر) رابطه سببیت نیز وجود دارد.

نکته دیگری که در این خصوص باید دقت داشت این است که در صورتی که شاکی قبل اثبات وقوع تخلف دیوان عدالت اداری نسبت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی و درخواست مطالبه میزان خسارات را داشته باشد، در این صورت دادگاه عمومی بایستی نسبت به چنین دادخواستی «قرار عدم استماع دعوا» به سبب عدم رعایت مقدمات طرح دعوا صادر نماید. اما در صورتی که شاکی وقوع تخلف را از دادگاه عمومی بخواهد، باید قبول کرد که در این حالت دادگاه عمومی باید با صدور قرار عدم صلاحیت پرونده را به دیوان عدالت اداری ارجاع دهد.

۹- کدام یک از گزینه‌های زیر در صلاحیت هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نیست؟

۱) صدور رأی وحدت رویه

۲) صدور رأی ایجاد رویه

۳) شکایت از آیین نامه‌ها و سایر نظامات دولتی در مواردی که برخلاف قانون یا شرع باشد.

۴) ابطال بخشنامه‌های رئیس قوه قضاییه در موارد مقتضی

پاسخ: گزینه «۴» صحیح است.

به استناد ماده ۱۲ قانون دیوان عدالت اداری ۱۳۹۲، هیأت عمومی دیوان عدالت اداری دارای سه صلاحیت اصلی است: ۱- صدور رأی وحدت رویه ۲- صدور رأی ایجاد رویه ۳- ابطال بخشنامه‌ها، آیین نامه‌ها واحدهای دولتی و شهرداریهای و نهادهای عمومی غیردولتی در مواردی به علت مغایرت با شرع یا قانون و یا عدم صلاحیت مرجع مربوط یا تجاوز یا سوءاستفاده از اختیارات یا تخلف در اجرای قوانین و مقررات یا خودداری از انجام وظایفی که موجب تضییع حقوق اشخاص می‌شود.

در خصوص گزینه ۴ باید دقت داشت به استناد تبصره ماده ۱۲ قانون مزبور: «رسیدگی به تصمیمات قضائی قوه قضائیه و صرفاً آیین‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها و تصمیمات رئیس قوه قضائیه و مصوبات و تصمیمات شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس خبرگان و شورای عالی امنیت ملی از شمول این ماده خارج است.» پس هیأت عمومی دیوان عدالت صلاحیت ابطال مواردی را که در تبصره ماده ۱۲ گنجانده شده است را ندارد.

۱۰- کدام یک از گزینه‌های زیر صحیح نیست؟

- (۱) اعتبار پروانه وکالت ۲ سال است و تمدید آن منوط به درخواست متقاضی است.
- (۲) مرجع رسیدگی به صلاحیت نامزدهای هیأت مدیره کانون وکلا دادگاه انتظامی قضات است.
- (۳) محدوده حوزه هر کانون به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب رئیس قوه قضائیه مشخص خواهد شد.
- (۴) کسانی که دارای رتبه قضایی بوده‌اند به مدت سه سال در آخرین محل خدمت خود حق وکالت نخواهند داشت.

۱۰- گزینه «۱» صحیح است.

در خصوص گزینه «۱» باید دانست به استناد تبصره ۵ ماده ۲ قانون کیفیت اخذ پروانه دادگستری اعتبار پروانه وکالت سه سال است. گزینه «۲» بر اساس تبصره ۱ ماده ۴ و گزینه «۳» بر اساس تبصره ۲ ماده ۶ و گزینه «۴» بر اساس تبصره ۴ ماده ۶ قانون فوق‌الذکر صحیح است.

۱۱- هزینه ی دادخواست اعاده دادرسی در دیوان عدالت و رسیدگی به دادخواست اعاده دادرسی در صلاحیت است.

- (۱) برابر هزینه تقدیم دادخواست به شعبه تجدیدنظر دیوان است- شعبه تجدیدنظر دیوان
- (۲) برابر هزینه تقدیم دادخواست به هیأت عمومی دیوان است- شعبه صادرکننده ی حکم قطعی
- (۳) برابر هزینه تقدیم دادخواست به شعب تجدیدنظر دیوان است- شعبه صادرکننده ی حکم قطعی
- (۴) برابر هزینه تقدیم دادخواست به هیأت عمومی دیوان است- شعب مخصوص رسیدگی به اعاده دادرسی

۱۱-گزینه ۳ صحیح است.

به استناد مواد ۱۰۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، هزینه دادخواست اعاده دادرسی برابر هزینه تقدیم دادخواست به شعب تجدیدنظر دیوان است. از سوی دیگر، به استناد ماده ۱۰۲ همان قانون، رسیدگی به دادخواست اعاده دادرسی در صلاحیت شعبه صادرکننده حکم قطعی است. شعبه مذکور در ابتداء در مورد قبول یا رد این دادخواست قرار لازم را صادر می‌نماید و در صورت قبول دادخواست مبادرت به رسیدگی ماهوی می‌کند.

«آزمون چهارم»

۱۲- کدام یک از گزینه‌های زیر در خصوص صلاحیت شورای حل اختلاف صحیح نیست؟

۱- شورای حل اختلاف در خصوص اصل نکاح و فسخ نکاح یا طلاق حق صلاح سازش حتی با تراضی طرفین نیز ندارد.

۲- رسیدگی به دعوای تقسیم ترکه در صلاحیت شورای حل اختلاف نیست.

۳- رسیدگی به دعوای تعدیل اجاره بها به شرطی که در رابطه استیجاری اختلافی وجود نداشته باشد در صلاحیت شورای حل اختلاف است.

۴- در صورتی که دعوای اصلی در صلاحیت شورا بوده و دعوای طاری مرتبط با آن از صلاحیت ذاتی شورا خارج و در صلاحیت مراجع قضایی باشد، رسیدگی به دعوای اصلی تا روشن شدن نتیجه دعوای طاری متوقف خواهد ماند.

۱۲- گزینه «۴» صحیح است.

گزینه «۱» بر اساس ماده ۱۰ قانون شورای حل اختلاف صحیح است و در این باره باید دانست شورا در این خصوص حق صلح و سازش بین طرفین را نیز ندارد.

گزینه «۲» بر اساس ماده ۹ قانون شورای حل اختلاف صحیح است.

در خصوص گزینه «۳» باید توجه داشت رسیدگی به درخواست‌های حصر وراثت، تحریر ترکه، مهر و موم ترکه و رفع مهر و موم در صلاحیت شورای حل اختلاف است، اما تقسیم ترکه در صلاحیت شورای حل اختلاف نخواهد بود.

در خصوص گزینه «۴» نیز باید بدانیم که طبق ماده ۲۱ قانون شورا، در مواردی که دعوای طاری یا مرتبط با دعوای اصلی از صلاحیت ذاتی شورا خارج باشد، رسیدگی به هر دو دعوی در مرجع قضائی صالح به عمل می‌آید.

۱۳- دعوای با خواسته مالکیت یک دستگاه آپارتمان مقوم به ۲۰ میلیون تومان در شورای حل اختلاف محل اقامتگاه خوانده مطرح و شورای حل اختلاف به سبب عدم ایراد خوانده به صلاحیت محلی، نسبت به دعوای مزبور رسیدگی و اقدام به صدور رأی می‌نماید. اگر از رأی مزبور در دادگاه عمومی همان حوزه قضایی تجدیدنظرخواهی بعمل آید...

(۱) دادگاه عمومی به جهت عدم صلاحیت رأی را فسخ و رسیدگی مجدد را به شورای محل وقوع مال غیرمنقول واگذار می‌نماید.

(۲) دادگاه عمومی به جهت عدم صلاحیت رأی را فسخ و رسیدگی مجدد را به دادگاه عمومی محل وقوع مال غیرمنقول واگذار می‌نماید.

(۳) دادگاه عمومی رأی صادره را تأیید خواهد کرد، زیرا خوانده به عدم صلاحیت محلی ایرادی نکرده است.

(۴) دادگاه عمومی به جهت عدم صلاحیت رأی را فسخ و رسیدگی و خود وارد رسیدگی مجدد خواهد شد.

۱۳- گزینه «۲» صحیح است.

در خصوص این سوال باید دانست اولاً شورای حل اختلاف صلاحیت ذاتی برای رسیدگی به دعوای غیرمنقول را ندارد (بند اول ماده ۹ ق.ش.ح.ا) در این خصوص تفاوتی نمی‌نماید که بهای خواسته بالای ۲۰ میلیون تومان باشد یا پایین تر از آن، پس رسیدگی به دعوای غیرمنقول در صلاحیت دادگاه عمومی محل وقوع ملک است. از سوی دیگر، هرگاه شورای حل اختلاف صلاحیت ذاتی برای رسیدگی به دعوایی را نداشته باشد مکلف است که نسبت به صدور قرار عدم صلاحیت اقدام نماید، چه خوانده دعوا نسبت به این امر ایراد کرده باشد و چه نکرده باشد.

۱۴- کدام گزینه صحیح است؟

(۱) رسیدگی قاضی شورا از حیث اصول و قواعد، فقط تابع مقررات آیین دادرسی کیفری است.

۲) رسیدگی قاضی شورا از حیث اصول و قواعد، فقط تابع مقررات آیین دادرسی مدنی است.

۳) رسیدگی قاضی شورا از حیث اصول و قواعد، تابع مقررات قوانین آیین دادرسی مدنی و کیفری نیست.

۴) رسیدگی قاضی شورا از حیث اصول و قواعد، تابع مقررات قوانین آیین دادرسی مدنی و کیفری است.

۱۴- گزینه «۴» صحیح است.

به استناد ماده ی ۱۸ قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۹۴

۱۵- حکم انتصاب قاضی شورا توسط و حکم انتصاب هر یک از اعضای شورا پس از احراز شرایط مقرر در قانون با صادر می شود.

۱) رئیس کل دادگستری - با پیشنهاد رئیس کل دادگستری و توسط رئیس مرکز امور شوراها

۲) رئیس قوه قضائیه - با پیشنهاد رئیس کل دادگستری توسط رئیس مرکز امور شوراها

۳) رئیس قوه قضائیه - با پیشنهاد رئیس قوه قضائیه توسط رئیس کل دادگستری

۴) رئیس کل دادگستری - با پیشنهاد رئیس کل دادگستری شورای حل اختلاف استان

۱۵- گزینه «۲» صحیح است.

به استناد ماده ی ۵ قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۹۴

۱۶- کدام یک از دعاوی زیر از صلاحیت ذاتی شورای حل اختلاف خارج است؟

۱) دعوای فسخ نکاح

۲) دعوای طلاق

۳) دعوای نسب

۴) هر سه مورد

۱۶- گزینه «۴» صحیح است

به استناد ماده ۱۰ قانون شورای حل اختلاف، دعاوی زیر حتی با توافق طرفین قابل طرح در شورا نیست:

الف - اختلاف در اصل نکاح، اصل طلاق، فسخ نکاح، رجوع، نسب

ب - اختلاف در اصل وقفیت، وصیت، تولیت

پ - دعوای راجع به حجر و ورشکستگی

ت - دعوای راجع به اموال عمومی و دولتی

ث - اموری که به موجب قوانین دیگر در صلاحیت مراجع اختصاصی یا مراجع قضائی غیردادگستری می‌باشد.

۱۷- کدام گزینه در مورد قواعد ناظر بر صلاحیت در شورای حل اختلاف صحیح است؟

(۱) در صورت اختلاف در صلاحیت بین شورای حل اختلاف با مراجع قضائی، مرجع حل اختلاف حسب مورد دیوان عالی کشور یا دادگاه تجدیدنظر استان است.

(۲) مرجع حل اختلاف در اختلاف بین شورای حل اختلاف با سایر مراجع قضائی غیردادگستری، دادگاه عمومی است.

(۳) مرجع حل اختلاف بین دو شورای حل اختلاف از دو شهرستان از یک استان با دادگاه عمومی شهرستانی است که زودتر در خصوص صلاحیت مربوط به آن شورا اظهارنظر شده است.

(۴) مرجع حل اختلاف بین دو شورای حل اختلاف از یک شهرستان با شعبه اول دادگاه شهرستان مرکز استان است.

۱۷- گزینه «۲» صحیح است.

در مورد گزینه ۱، به استناد ماده ۱۵ قانون شورای حل اختلاف، در صورت بروز اختلاف در صلاحیت بین شورای حل اختلاف با مرجع قضائی، نظر مرجع قضائی لازم‌الاتباع است.

گزینه ۲، با توجه به ماده ۱۴ قانون شورای حل اختلاف صحیح است.

در مورد گزینه ۳، بر اساس ماده ۱۵ قانون جدید شورای حل اختلاف مقرر می‌دارد: «مرجع حل اختلاف بین دو شورای حل اختلاف از دو شهرستان از یک استان با دادگاه عمومی شهرستان مرکز همان استان است.

همچنین در مورد گزینه «۴» باید دقت کنید، که مرجع حل اختلاف بین دو شورای حل اختلاف از یک شهرستان با شعبه اول دادگاه عمومی همان شهرستان است

«آزمون ششم»

۱۸- اثر ابطال مصوبات توسط هیأت عمومی دیوان عدالت اداری از چه زمانی است؟

(۱) در هر حال از زمان صدور رأی است

(۲) در هر حال از زمان تصویب مصوبه است مگر در مورد مصوبات خلاف شرع یا در مواردی که مصوبه موجب تضییع حقوق افراد گردیده باشد

(۳) از زمان اجرای مصوبه است

(۴) از زمان صدور رأی هیأت عمومی است مگر در مورد مصوبات خلاف شرع یا در مواردی که مصوبه موجب تضییع حقوق افراد گردیده باشد

۱۸- گزینه «۴» صحیح است. به استناد ماده ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، اثر ابطال مصوبات از زمان صدور رأی هیأت عمومی است مگر در مورد مصوبات خلاف شرع یا در مواردی که به منظور جلوگیری از تضییع حقوق اشخاص، هیأت مذکور اثر آن را به زمان تصویب مصوبه مترتب نماید.

۱۹- با وجود چه شرایطی به شکایت‌های اشخاص متعدد در دادخواست واحد در دیوان عدالت اداری رسیدگی می‌گردد؟

(۱) در صورتی شکایت‌ها با یکدیگر ارتباط کامل داشته باشند

(۲) در صورتی که شکایات مزبور منشأ و مبنای واحد داشته باشد

(۳) در صورتی شکایات مزبور منشاء یا مبنای واحدی داشته باشند

(۴) در صورتی که شکایت‌های مزبور با یکدیگر منشاء واحدی داشته باشد و شعبه دیوان عدالت بتواند به همه‌ی آنها یکجا رسیدگی نماید.

۱۹- گزینه «۲» صحیح است. در خصوص این سوال باید بدانیم که طبق ماده ۳۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، چنانچه اشخاص متعدد، شکایت‌های خود را به موجب یک دادخواست مطرح نمایند، در صورتی که شکایات مزبور منشأ و مبنای واحد داشته باشد، شعبه دیوان نسبت به همه موارد ضمن یک دادرسی، اتخاذ تصمیم می‌نماید. در غیر این صورت، مطابق مفاد ماده قبل موارد به تفکیک و جداگانه رسیدگی می‌شود.

۲۰- رسیدگی خارج از نوبت به پرونده‌های مطروحه در شعب دیوان عدالت اداری با وجود چه شرایطی امکان پذیر است؟

(۱) در صورت ضرورت به تشخیص رئیس دیوان یا رئیس شعبه نسبت به پرونده‌های شعب بدوی یا تجدیدنظر می‌توان خارج از نوبت رسیدگی کرد

(۲) در صورت ضرورت به تشخیص رئیس دیوان یا رئیس شعبه تنها نسبت به پرونده‌های شعب بدوی می‌توان خارج از نوبت رسیدگی کرد

(۳) در صورت تشخیص رئیس دیوان عدالت اداری به پرونده‌های شعب بدوی و تجدیدنظر می‌توان خارج از نوبت رسیدگی کرد.

(۴) رسیدگی خارج از نوبت در دیوان عدالت اداری پیش‌بینی نشده است.

۲۰- گزینه «۱» صحیح است. در خصوص رسیدگی خارج از نوبت در دیوان عدالت باید دانست این موضوع در ماده ۴۷ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری پیش‌بینی شده است. ماده ۴۷ قانون مزبور در این خصوص مقرر می‌دارد در صورت ضرورت به تشخیص رئیس دیوان یا رئیس شعبه، به پرونده‌های مطروحه در شعب دیوان و شعب تجدیدنظر آن، خارج از نوبت رسیدگی می‌شود. باید دانست در آیین دادرسی مدنی و در رسیدگی دیوان عالی کشور رسیدگی خارج از نوبت در صورت وجود ضرورت و با تشخیص رئیس دیوان عالی کشور امکان پذیر است. اما چنین امکانی در دادگاه بدوی و تجدیدنظر پیش‌بینی نشده است.

آزمون هفتم

۲۱- کدام یک از گزینه‌های زیر در خصوص تعیین بهای خواسته در شورای حل اختلاف صحیح است؟

(۱) در صورتی که قاضی نسبت به بهای خواسته تردید کند تا پایان اولین جلسه دادرسی نسبت با جلب نظر کارشناس بهای واقعی خواسته را تعیین خواهد کرد. در این صورت هزینه‌ی کارشناس را خواهان باید بپردازد.

(۲) در صورتی که بین اصحاب دعوا در خصوص بهای خواسته اختلاف حاصل شود دادگاه قبل از شروع رسیدگی با جلب نظر کارشناس بهای خواسته را تعیین خواهد کرد. هزینه کارشناسی را باید دو طرف بپردازند.

(۳) در صورتی که بین اصحاب دعوا در خصوص بهای خواسته اختلاف حاصل شود دادگاه قبل از شروع رسیدگی با جلب نظر کارشناس بهای خواسته را تعیین خواهد کرد. هزینه کارشناسی را باید خوانده بپردازد.

۴) هرگاه قاضی شورا در مورد بهای خواسته تردید نماید، قبل از شروع رسیدگی با جلب نظر کارشناس بهای خواسته را تعیین خواهد کرد. هزینه کارشناسی را در این فقره باید خوانده بپردازد.

۲۱- گزینه ۳ صحیح است. در خصوص این سوال باید دقت داشت در شورای حل اختلاف بهای خواسته بر اساس «قیمت واقعی» تعیین می‌گردد. یعنی برخلاف آیین دادرسی مدنی که خواهان در تعیین بهای خواسته آزادی کامل دارد و می‌تواند خواسته را به مراتب به پایین تر از قیمت واقعی تقویم کند، در شورای حل اختلاف چنین نیست. تبصره ۱ ماده ۹ قانون شورا حل اختلاف در خصوص این موضوع و اختلافی که در این خصوص ممکن است حادث شود چنین مقرر می‌دارد: «بهای خواسته براساس نرخ واقعی آن تعیین می‌گردد، چنانچه نسبت به بهای خواسته بین اصحاب دعوی اختلاف حاصل شود و اختلاف مؤثر در صلاحیت شورا باشد، یا قاضی شورا نسبت به آن تردید کند قبل از شروع رسیدگی رأساً یا با جلب نظر کارشناس، بهای خواسته را تعیین می‌کند». در این مورد باید دقت کرد اگر رجوع به کارشناس برای تعیین بهای خواسته در نتیجه اعتراض خوانده باشد هزینه کارشناس را باید خود خوانده بپردازد. اما اگر در نتیجه تردید قاضی شورا باید هزینه کارشناسی را باید خواهان بپردازد. در هر حال این موضوع باید تا قبل از شروع به رسیدگی صورت بگیرد.

۲۲- کدام یک از گزینه‌های زیر صحیح است؟

۱) مرجع قضایی می‌تواند تمامی موضوعات در صلاحیت خود را فقط برای یکبار جهت صلح و سازش به شورای حل اختلاف ارجاع دهد. در این صورت شورا ۶ ماه فرصت دارد تا نتیجه صلح و سازش را به مرجع قضایی گزارش دهد.

۲) هرگاه اخطار دعوت به جلسه دادرسی برای خوانده شورا ابلاغ واقعی شده باشد رأی صادره حضوری است. حتی اگر خوانده در جلسه دادرسی حاضر نشده و دفاع کتبی هم ارائه نکرده و وکیل یا نماینده وی نیز در جلسه حاضر نشده باشد.

۳) رسیدگی در شورای حل اختلاف از حیث اصول رسیدگی برابر با قانون آیین دادرسی مدنی نیست، اما از حیث تشریفات رسیدگی تابع قانون آیین دادرسی مدنی می‌باشد.

۴) هرگاه بین دو شورای حل اختلاف از دو شهرستان از استان واحد اختلاف در صلاحیت رخ دهد، مرجع حل اختلاف در صلاحیت دادگاه عمومی شهرستان مرکز همان استان خواهد بود.

۲۲- گزینه ۴ صحیح است.

در خصوص گزینه ۱ بر اساس ماده ۱۱ قانون شورای حل اختلاف، در کلیه اختلافات و دعاوی خانوادگی و سایر دعاوی مدنی و جرائم قابل گذشت، مرجع قضائی رسیدگی کننده می‌تواند با توجه به کیفیت دعوی یا اختلاف و امکان حل و فصل آن از طریق صلح و سازش، فقط یک بار برای مدت حداکثر سه ماه موضوع را به شورا ارجاع نماید. در خصوص این گزینه اولاً باید دقت داشت که مرجع قضایی تنها دعاوی مدنی و جرایم قابل گذشت را می‌تواند جهت صلح و سازش به شورای حل اختلاف ارجاع دهد. از طرفی، این ماده منصرف از ماده ۱۰ قانون شورای حل اختلاف است و در خصوص دعاوی مطروحه در ماده ۱۰ (اصل نکاح، فسخ نکاح و ...) امکان صلح و سازش حتی با ارجاع مرجع قضایی وجود نخواهد داشت.

در خصوص گزینه ۲ باید گفت در شورای حل اختلاف برای غیابی محسوب شدن حکم نیازی به ابلاغ قانونی حکم نیست. ابلاغ چه واقعی و چه قانونی باشد در هر حال با وجود سایر شرایط حکم صادر غیابی خواهد بود (ماده ۲۵ قانون شورای حل اختلاف).

در خصوص گزینه ۳، بر اساس ماده ۱۸ این قانون، رسیدگی قاضی شورا از حیث اصول و قواعد، تابع مقررات قوانین آیین دادرسی مدنی و کیفری است و بر اساس ماده ۱۹ قانون شورای حل اختلاف، رسیدگی شورا تابع تشریفات آیین دادرسی مدنی نیست. در گزینه دقیقاً بر عکس آن گفته شده است.

در خصوص گزینه ۴، نیز باید بگوییم این گزینه بر اساس ماده ۱۳ قانون صحیح بوده و مورد تأیید است.

۲۳- کدام یک از گزینه‌های زیر در خصوص استرداد دادخواست یا شکایت در دیوان عدالت اداری صحیح است؟

(۱) شاکی می‌تواند تا قبل از رسیدگی دیوان عدالت اداری دادخواست خود را مسترد نماید. در این صورت قرار ابطال دادخواست صادر می‌گردد.

(۲) شاکی می‌تواند تا قبل از صدور رأی از شکایت خود به صورت کلی صرف نظر نماید در این صورت رد شکایت صادر می‌گردد.

(۳) شاکی می‌تواند تا قبل از صدور رأی از شکایت خود به صورت کلی صرف نظر نماید. در این صورت قرار سقوط شکایت صادر می‌گردد.

(۴) شاکی می‌تواند قبل وصول لایحه دفاعیه از طرف شکایت دادخواست خود را استرداد نماید در این صورت قرار ابطال شکایت صادر می‌گردد.

۲۳- گزینه ۳ صحیح است.

در خصوص این سوال باید دقت داشت که ابتدا در ماده ۴۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مقرر می‌دارد: «شاکی می‌تواند دادخواست خود را قبل از وصول پاسخ طرف شکایت، مسترد کند و در این صورت، شعبه قرار ابطال دادخواست صادر می‌کند. شاکی می‌تواند دادخواست خود را تجدید نماید. پس از وصول پاسخ، به درخواست استرداد دادخواست ترتیب اثر داده نمی‌شود». با این توضیح ایراد گزینه‌های ۱ و ۴ روشن است.

در خصوص صرف نظر کردن کلی از شکایت نیز ماده ۴۶ قانون مزبور چنین مقرر داشته است: «شاکی می‌تواند قبل از صدور رأی، از شکایت خود به کلی صرف نظر نماید. در این صورت، قرار سقوط شکایت صادر می‌شود و همان شکایت مجدداً قابل طرح نیست». قرار سقوط شکایت دارای اعتبار امر مختوم است.

۲۴- کدام گزینه در خصوص اصلاح خواسته صحیح است؟

(۱) اصلاح خواسته اساساً در دیوان عدالت اداری پیش‌بینی نشده است.

(۲) اصلاح خواسته تا قبل از ارسال دادخواست به طرف شکایت در هر حال ممکن است.

(۳) بعد از ارسال دادخواست به طرف شکایت، اصلاح خواسته زمانی ممکن است که ماهیت خواسته تغییر نکرده باشد و شعبه بتواند بدون نیاز به ارسال مجدد دادخواست، بر اساس دادخواست اصلاح شده، رأی صادر نماید

(۴) گزینه ۲ و ۳ صحیح هستند

۲۴- **گزینه ۴ صحیح است.** باید دقت کرد برابر با ماده ۴۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، شاکی می‌تواند تا قبل از صدور رأی، خواسته خود را اصلاح کند. قبول تقاضای اصلاح خواسته پس از ارسال دادخواست و ضمائم آن برای طرف شکایت، مشروط بر این است که به تشخیص شعبه، ماهیت خواسته تغییر نکرده باشد و شعبه بتواند بدون نیاز به ارسال مجدد دادخواست، بر اساس دادخواست اصلاح شده، رأی صادر نماید.

۲۵- کدام یک از گزینه‌های زیر در خصوص قرار اناطه در دیوان عدالت اداری صحیح است؟

(۱) هرگاه رسیدگی در دیوان عدالت اداری منوط بر اثبات امری باشد که در صلاحیت دادگاه عمومی حقوقی است دیوان عدالت اداری قرار اناطه صادر می‌نماید.

(۲) پس از صدور قرار اناطه شاکی مکلف است ظرف ۱ ماه در دادگاه مربوطه طرح دعوا نموده و رسید آن را تقدیم دفتر دیوان عدالت اداری نماید.

(۳) قرار اناطه پس از صدور به هر دو طرف شکایت ابلاغ می‌گردد.

(۴) همه گزینه‌ها صحیح هستند

۲۵- گزینه ۳ صحیح است.

در خصوص این سوال باید دقت داشت به استناد ماده ۵۰ ق.ت.آ.د.د.ع.ا، هرگاه رسیدگی دیوان منوط به اثبات امری باشد که در صلاحیت مرجع دیگری است، قرار اناطه صادر و مراتب به طرفین ابلاغ می‌شود. ذی‌نفع باید ظرف یک ماه از تاریخ اخطاریه دیوان، به مرجع صالح مراجعه و گواهی دفتر مرجع مزبور را مبنی بر طرح موضوع، به دیوان تسلیم نماید. در غیر این صورت دیوان به رسیدگی خود ادامه می‌دهد و تصمیم مقتضی می‌گیرد.

۲۶- کدام گزینه در خصوص رسیدگی توأمان به شکایات متعدد در دیوان عدالت صحیح است؟

(۱) در صورتی ممکن است که به تشخیص ریس شعبه دیوان عدالت اداری شکایات متعدد دارای موضوع واحد یا مرتبط باشد.

(۲) در صورتی ممکن است که به تشخیص رئیس دیوان عدالت اداری شکایات مزبور دارای موضوع واحد یا مرتبط باشد.

(۳) در صورتی ممکن است که به تشخیص رییس دیوان عدالت اداری شکایات مزبور با یکدیگر ارتباط کامل داشته باشند.

(۴) رسیدگی توأمان به شکایات مختلف در دیوان عدالت اداری قابل تصور نیست زیرا دیوان به هر مورد به صورت خاص و موردی رسیدگی می‌نماید.

۲۶- گزینه ۲ صحیح است.

در خصوص این سوال باید توجه داشت برابر با ماده ۵۱ قانون تشکیلات و شکایات مطروحه در دیوان که به تشخیص رئیس دیوان دارای موضوع واحد یا مرتبط باشد در یک شعبه رسیدگی می‌شود و در صورت ارجاع به چند شعبه، به همه پرونده‌ها در شعبه‌ای که سبق ارجاع دارد رسیدگی به عمل می‌آید.

آزمون هشتم

۲۷- در کدام یک از گزینه‌های زیر اجرای حکم مستلزم صدور اجرائیه است؟

(۱) در صورتی که موضوع حکم جنبه اعلانی داشته باشد

(۲) در مواردی که اجرای حکم باید توسط سازمانها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت صورت گیرد

۳) هرگاه محکوم علیه درخواست اعسار از پرداخت محکوم به را داشته باشد.

۴) اجرای حکم همواره مستلزم صدور اجرائیه است.

۲۷- گزینه «۳» صحیح است. در خصوص این سوال باید دقت داشت بر اساس ماده ۴ قانون اجرای احکام مدنی، اجرای حکم با صدور اجرائیه به عمل می‌آید مگر این که در قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد در مواردی که حکم دادگاه جنبه اعلامی داشته و مستلزم انجام عملی از طرف محکوم علیه نیست از قبیل اعلام اصالت یا بطلان سند، اجرائیه صادر نمی‌شود. همچنین در مواردی که سازمانها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت طرف دعوی نبوده ولی اجرای حکم باید به وسیله آنها صورت گیرد صدور اجرائیه لازم نیست و سازمانها و مؤسسات مزبور مکلفند به دستور دادگاه حکم را اجرا کنند.

۲۸- کدام گزینه در خصوص مرجع رسیدگی به اختلافات ناشی از اجرای حکم صحیح نیست؟

۱) هرگاه در جریان اجرای حکم اشکالی پیش آید دادگاهی که حکم تحت نظر آن اجرا می‌شود رفع اشکال می‌نماید.

۲) اختلافات ناشی از اجرای احکام، راجع به دادگاهی است که حکم توسط آن دادگاه اجرا می‌شود.

۳) اختلافات راجع به مفاد حکم همچنین اختلافات مربوط به اجرای احکام که از اجمال یا ابهام حکم یا محکوم به حادث شود در دادگاهی که حکم را صادر کرده رسیدگی می‌شود.

۴) مرجع رفع اختلاف ناشی از اجرای رأی داوری دادگاهی است که موضوع را به داوری ارجاع داده است.

۲۸- گزینه «۴» صحیح است.

گزینه «۱» بر اساس ماده ۲۵ قانون اجرای احکام مدنی صحیح است. صحت گزینه ۲ را ماده ۲۶ قانون اجرای احکام مدنی تأیید می‌نماید. در خصوص گزینه ۳ نیز باید به ماده ۲۷ قانون مزبور دقت کرد. ایراد گزینه ۴ در این است که بر اساس ماده ۲۹ قانون اجرای احکام مدنی، مرجع حل اختلافات ناشی از اجرای رأی داور با دادگاهی است که اجرائیه را صادر کرده است. این دادگاه همواره دادگاه بدوی صالح به رسیدگی به اصل دعواست.

۲۹- کدام یک از گزینه‌های زیر در خصوص اجرای احکام مدنی صحیح است؟

۱) اگر حکمی که اجرا گردیده و خاتمه یافته است به موجب رأی قطعی بلااثر شده و از اعتبار بیافتد عملیات اجرایی به وضعیت خود مسترد می‌گردد.

۲) اگر محکوم به عین معین بوده و تلف شده یا به آن دسترسی نباشد قیمت آن با تراضی طرفین و در صورت عدم تراضی به وسیله دادگاه تعیین و طبق مقررات این قانون از محکوم علیه وصول می‌شود

۳) در مواردی که حکم خلع ید علیه متصرف ملک مشاع به نفع مالک قسمتی از ملک مشاع صادر شده باشد از همان قسمت ملک خلع ید می‌شود

۴) هر سه گزینه

۲۹- گزینه «۲» صحیح است.

در خصوص گزینه ۱ باید دقت داشت برابر با ماده ۳۹ ق.ا.ا.م، هرگاه حکمی که به موقع اجرا گذارده شده بر اثر فسخ یا نقص یا اعاده دادرسی به موجب حکم نهایی بلااثر شود عملیات اجرایی به دستور دادگاه اجراکننده حکم، به حالت قبل از اجرا بر می گردد. بنابراین، اعاده به وضعیت سابق در اجرای حکم منوط بر صدور نقض حکم اجرا شده و صدور حکم مخالف آن و نهایی شدن این حکم جدید است.

۳۰- در مورد قابلیت توقیف اموال تحت تصرف محکوم علیه کدام گزینه صحیح نیست؟

(۱) هرگاه مال منقولی در تصرف ثالث باشد و محکوم له ادعای تعلق آن به محکوم علیه نماید، این مال زمانی قابل توقیف است که ادعای محکوم له ثابت شود.

(۲) اموال منقول خارج از محل سکونت یا منزل محکوم علیه در هر حال قابل توقیف به نام محکوم علیه نیست مگر آنکه مدعی دیگری برای آنها پیدا نشود.

(۳) اموال غیرمنقولی که فاقد سابقه ثبتی بوده و در تصرف محکوم علیه باشد به نام وی توقیف خواهد شد مگر اینکه خلاف آن اثبات گردد.

(۴) اموال غیرمنقول که سند رسمی آن به نام محکوم علیه ست به نام وی توقیف خواهد شد حتی اگر مال غیرمنقول تحت تصرف شخص دیگری باشد.

۳۰- گزینه «۲» صحیح است. در خصوص گزینه ۲ باید دانست طبق ماده ۶۴ ق.ا.ا.م، اموال منقولی که خارج از محل سکونت یا محل کار محکوم علیه باشد در صورتی توقیف می شود که دلایل و قرائین کافی بر احراز مالکیت او در دست باشد. بنابراین توقیف این اموال در هر حال منتفی نیست.

در خصوص گزینه ۳ و ۴ باید به ماده ۱۰۱ ق.ا.ا.م دقت داشت. طبق این ماده، توقیف مال غیرمنقولی که سابقه ثبت ندارد به عنوان مال محکوم علیه وقتی جایز است که محکوم علیه در آن تصرف مالکانه داشته باشد و یا محکوم علیه به موجب حکم نهایی مالک شناخته شده باشد. در موردی که حکم بر مالکیت محکوم علیه صادر شده ولی به مرحله نهایی نرسیده باشد توقیف مال مزبور در ازای بدهی محکوم علیه جایز است ولی ادامه عملیات اجرایی موکول به صدور حکم نهایی است.

۳۱- در صورتی که مال غیرمنقولی توقیف گردد؛

(۱) توقیف مال غیرمنقول موجب توقیف آن است.

(۲) توقیف مال غیرمنقول در صورتی موجب توقیف منافع آن است که اصل مال برای پرداخت بدهی کفاف ندهد

(۳) توقیف مال غیرمنقول موجب توقیف منافع آن نیست

(۴) توقیف مال غیرمنقول موجب توقیف منافع آن می گردد، مگر آنکه مال غیرمنقول مزبور دارای سابقه ثبتی نباشد.

۳۱- گزینه «۳» صحیح است.

در خصوص این سوال باید به ماده ۱۰۳ قانون اجرای احکام مدنی دقت داشت. بر اساس این ماده، توقیف مال غیرمنقول موجب توقیف منافع آن نمی گردد. در این خصوص تفاوتی بین اموال غیرمنقول دارای سابقه ثبتی با اموال غیرمنقول فاقد سابقه ثبتی وجود ندارد. از سوی دیگر، در صورتی که ارزش مال توقیف شده کفاف بدهی محکوم علیه را ندهد، منافع مال غیرمنقول را نیز می توان توقیف کرد، اما این امر خود به خود صورت نمی گیرد بلکه در اجرائیه باید درخواست شده باشد.

۳۲- کدام یک از موارد زیر از جهات ممنوعیت حبس محکوم علیه در محکومیت‌های مالی نیست؟

- (۱) در صورتی که محکوم له بدون نیاز به وثیقه به آزادی محکوم علیه رضایت بدهد
- (۲) در صورتی که محکوم علیه به تشخیص دادگاه کفیل یا وثیقه معتبر و معادل محکوم به ارائه نماید
- (۳) در صورت تشخیص دادگاه با اطلاع رئیس قوه قضائیه.
- (۴) در صورتی که محکوم علیه ثابت نماید در مدت مقرر به سبب عذر موجه نتوانسته دعوای اعسار را اقامه نماید.

۳۲- گزینه «۳» صحیح است.

در خصوص صحت گزینه‌های ۱ و ۲ باید گفت طبق تبصره ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، چنانچه محکوم علیه خارج از مهلت مقرر در این ماده، ضمن ارائه صورت کلیه اموال خود، دعوای اعسار خود را اقامه کند، هرگاه محکوم له آزادی وی را بدون اخذ تأمین بپذیرد یا محکوم علیه به تشخیص دادگاه کفیل یا وثیقه معتبر و معادل محکوم به ارائه نماید، دادگاه با صدور قرار قبولی وثیقه یا کفیل تا روشن شدن وضعیت اعسار از حبس محکوم علیه خودداری و در صورت حبس، او را آزاد می‌کند. در خصوص گزینه ۴، نیز باید دانست با توجه به عموم و اطلاق ماده ۳۰۶ ق.آ.د.م، در صورتی که محکوم علیه در هر نوع طریق شکایتی اثبات نماید که در موعد مقرر به سبب وجود عذر موجه نتوانسته دادخواست خود را تقدیم دادگاه نماید، دادگاه ابتدا نسبت به این موضوع رسیدگی کرده و در صورتی که دعوای محکوم علیه را مقرون به صحت دانست در این صورت قرار قبولی دادخواست را صادر خواهد کرد. در خصوص دعوای اعسار از پرداخت محکوم به نیز همین قاعده وجود دارد. بنابراین، با وجود اینکه طبق ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، محکوم علیه در صورتی که در مدت مقرر اقدام به پرداخت محکوم به نکند یا ترتیباتی را برای پرداخت آن ارائه ندهد و در عین حال دعوای اعسار خود را همراه به صورت اموال خود تقدیم دادگاه ننماید، به درخواست محکوم له حبس خواهد شد. اما اگر اثبات ننماید عدم اقدام نسبت به تقدیم دادخواست اعسار در موعد به سبب عذر موجه بوده است، دادگاه دادخواست خارج از موعد وی را نیز قبول خواهد کرد.

«آزمون نهم»

۳۳- کدام یک از تصمیمات دادگاه در امور حسبی قابل تجدیدنظر نیست؟

- (۱) حکم حجر
- (۲) حکم رد حجر
- (۳) رفع حجر
- (۴) تصفیه ترکه

۳۳- گزینه «۴» صحیح است.

در خصوص قابلیت تجدیدنظرخواهی از تصمیمات دادگاه‌ها در خصوص امور حسبی ابتدا باید دانست به موجب ماده ۲۷ قانون امور حسبی، تصمیم دادگاه در امور حسبی قابل پژوهش و فرجام نیست جز آنچه در قانون تصریح شده باشد. در ادامه ماده ۶۷ قانون این تصمیمات را قابل پژوهش می‌داند: ۱- حکم حجر ۲- حکم بقاء حجر ۳- رفع حجر ۴- رد درخواست حجر ۵- رد درخواست بقاء حجر ۶- رد درخواست رفع حجر. این تصمیمات از سوی دادستان یا قیّم محجور قابل تجدیدنظرخواهی است.

۳۴- در مدت زمانی که ترکه تحریر می‌شود:

- (۱) دعوای راجع به ترکه یا بدهی متوفی، توقیف می‌شود.
- (۲) عملیات اجرایی راجع به بدهی متوفی، معلق می‌ماند.
- (۳) در صورتی که اقامتگاه برخی ورثه معین نباشد تا به منظور تحریر ترکه احضار شوند عملیات مربوط به تحریر ترکه متوقف می‌شود.
- (۴) موارد مندرج در بندهای ۱ و ۲

۳۴- گزینه «۴» صحیح است.

در خصوص این سوال باید ابتدا دانست به موجب ماده ۲۱۹ قانون امور حسبی، عملیات اجرایی راجع به بدهی متوفی در مدت تحریر ترکه معلق می‌ماند. از سوی دیگر، به موجب ماده ۲۲۴ قانون امور حسبی، خاتمه تحریر ترکه به ورثه اطلاع داده می‌شود و هر گاه ورثه یا اقامتگاه آنها معین نباشد اطلاع مزبور به وسیله آگهی در روزنامه خواهد شد.

۳۵- کدام یک از گزینه‌های زیر در خصوص تحریر ترکه صحیح نیست؟

- (۱) مقصود از تحریر ترکه تعیین مقدار ترکه و دیون متوفی است.
- (۲) درخواست تحریر ترکه از ورثه یا نماینده قانونی آنها و وصی برای اداره اموال پذیرفته می‌شود
- (۳) امین غائب و قیم محجور باید در ظرف ۲۰ روز از تاریخ تعیین و ابلاغ سمت نامبرده به آنها باید درخواست تحریر ترکه نمایند چه ترکه تحریر شده باشد چه نشده باشد.
- (۴) غیبت اشخاصی که احضار شده‌اند مانع از تحریر ترکه نخواهد بود.

۳۵- گزینه «۳» صحیح است.

گزینه «۱» برابر با ماده ۲۰۶ و گزینه ۲ برابر با ماده ۲۰۷ و گزینه ۴ برابر با ماده ۲۱۲ صحیح هستند. اشکال گزینه «۳» در این است که برابر با ماده ۲۰۸ قانون امور حسبی، امین غائب و قیم محجور باید در ظرف ده روز از تاریخ تعیین و ابلاغ سمت نامبرده به آنها در صورتی که ترکه تحریر نشده باشد درخواست تحریر ترکه نمایند.

۳۶- چنانچه وارث متوفی معلوم نباشد به درخواست دادستان یا اشخاص ذی نفع توسط دادگاه

- (۱) ناظر تعیین می‌شود.
- (۲) مدیر ترکه تعیین می‌شود.
- (۳) امین معین می‌شود.
- (۴) نیاز به تعیین شخص معینی نیست و دادستان رأساً از اموال متوفی محافظت می‌کند.

۳۶- گزینه «۲» صحیح است.

در خصوص این سوال باید دقت داشت به استناد ماده ۳۲۷ قانون امور حسبی، در صورتی که وارث متوفی معلوم نباشد به درخواست دادستان یا اشخاص ذینفع برای اداره ترکه مدیر معین می‌شود. باید دانست که در خصوص حکم فوق دادستان مکلف است مراقبت نماید اقداماتی که برای حفظ ترکه لازم است به عمل آید و از دادگاه تعیین مدیر ترکه را بخواهد (ماده ۳۲۸ قانون امور حسبی).

«آزمون دهم»

۳۷- تقاضای زوجین برای دریافت جنین؛

(۱) از امور ترافعی بوده اما بدون تقدیم دادخواست در دادگاه محل اقامت و یا سکونت آنان قابل رسیدگی می‌باشد.

(۲) از امور ترافعی نبوده و بدون تقدیم دادخواست در دادگاه محل اقامت و یا سکونت آنان قابل رسیدگی است.

(۳) از امور ترافعی بوده و با تقدیم دادخواست در دادگاه صالح قابل رسیدگی می‌باشد.

(۴) از امور ترافعی بوده و بدون تقدیم دادخواست در دادگاه صالح قابل رسیدگی می‌باشد.

۳۷- گزینه ۲ صحیح است.

طبق رأی وحدت رویه شماره ۷۵۵-۹۵/۱۰/۱۴ هیأت عمومی دیوان عالی کشور؛ مقررات قانون نحوه اهدا جنین به زوجین نابارور خصوصا ماده ۴ آن راجع به صلاحیت دادگاه چنین مستفاد می‌گردد که تقاضای زوجین برای دریافت جنین از امور ترافعی نیست و مقررات آیین دادرسی در امور مدنی در خصوص رسیدگی به دعوی منصرف از آن است، براین اساس؛ تقاضای زوجین بدون تقدیم دادخواست در دادگاه محل اقامت و یا سکونت آنان قابل رسیدگی است و رأی شعبه اول دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد صحیح و قانونی تشخیص داده می‌شود.

۳۸- مدت اعتبار حکم طلاق از تاریخ و مدت اعتبار گواهی عدم امکان سازش از تاریخ است.

(۱) ۳ماه- ابلاغ رأی فرجامی یا انقضای مهلت فرجام خواهی- ۶ماه- ابلاغ رأی قطعی یا قطعی شدن رأی

(۲) ۶ماه- ابلاغ رأی قطعی یا قطعی شدن رأی- ۳ماه- ابلاغ رأی فرجامی یا انقضای مهلت فرجام

(۳) ۳ماه- ابلاغ رأی قطعی یا قطعی شدن رأی- ۶ماه- ابلاغ رأی فرجامی یا انقضای مهلت فرجام خواهی

(۴) ۶ماه- ابلاغ رأی فرجامی یا انقضای مهلت فرجام خواهی- ۳ماه- ابلاغ رأی قطعی یا قطعی شدن رأی

۳۸- گزینه ۴ صحیح است.

به استناد مواد ۳۳ و ۳۴ قانون حمایت خانواده

۳۹- کدام یک جز شرایط الزامی برای قضات دادگاه خانواده می‌باشد؟

(۱) تاهل و داشتن حداقل ۵ سال سابقه خدمت قضایی

(۲) داشتن مدرک کارشناسی ارشد یا بالاتر در رشته ی حقوق خانواده

(۳) تاهل و داشتن حداقل ۴ سال سابقه خدمت قضایی

۴) گزینه ی ۲ و ۳ صحیح است.

۳۹- گزینه ۳ صحیح است.

به استناد ماده ی ۳ قانون حمایت خانواده که مقرر می دارد؛ «قضات دادگاه باید متاهل و دارای حداقل چهار سال سابقه خدمت قضایی باشند
«....»

۴۰- در دعاوی مالی موضوع در صلاحیت دادگاه خانواده؛

۱) محکوم له قبل از صدور حکم قطعی و تا قبل از شروع اجرای آن نیز میتواند ازدادگاهی که حکم نخستین را صادر کرده تأمین محکوم به را درخواست کند.

۲) محکوم له قبل از صدور حکم قطعی از دادگاه نخستین که حکم را صادر کرده باید تقاضای تأمین محکوم به کند.

۳) محکوم له پس از صدور حکم قطعی و تا پیش از شروع اجرای آن نیز می تواند از دادگاهی که حکم نخستین را صادر کرده است تأمین محکوم به را درخواست کند.

۴) محکوم له پس از صدور حکم قطعی و تا پایان عملیات اجرایی آن نیز می تواند ازدادگاهی که حکم نخستین را صادر کرده است تأمین محکوم به را درخواست کند.

۴۰- گزینه ۳ صحیح است.

به استناد ماده ی ۱۱ قانون حمایت خانواده

۴۱- در کدام مورد از موارد زیر ثبت نکاح موقت الزامی است؟

۱) توافق طرفین

۲) شرط ضمن عقد

۳) باردار شدن زوجه

۴) همه ی موارد

۴۱- گزینه ۴ صحیح است.

به استناد ماده ی ۲۱ قانون حمایت خانواده

۴۲- دادگاه می تواند برای فراهم کردن فرصت صلح و سازش جلسه دادرسی را به درخواست برای به تاخیر اندازد.

۱) زوجین- حداکثر دو بار

۲) زوجین یا یکی از آنها- حداکثر یک بار

۳) زوجین یا یکی از آنها- حداکثر دو بار

۴) زوجین - حداقل یک بار

۴۲- گزینه ۳ صحیح است.

به استناد ماده ی ۱۰ قانون حمایت خانواده

۴۳- کدامیک از عبارت های ذیل صحیح نیست؟

۱) در دعاوی و امور خانوادگی مربوط به زوجین، زوجه می تواند در دادگاه محل اقامت خوانده یا محل سکونت خود اقامه دعوی کند مگر در موردی که خواسته مطالبه مهریه غیرمنقول باشد.

۲) هرگاه زوجین مقیم خارج از کشور باشند ولی یکی از آنها در ایران سکونت موقت داشته باشد دادگاه محل سکونت فرد ساکن در ایران برای رسیدگی صالح است.

۳) چنانچه دو یا چند دادخواست در یک روز تسلیم مرجع قضایی شده باشد دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به دعاوی زوجه را دارد به کلیه دعاوی رسیدگی می کند.

۴) هرگاه هیچ یک از زوجین در ایران سکونت نداشته باشند دادگاه شهرستان محل ثبت نکاح صلاحیت رسیدگی دارد.

۴۳- گزینه ۴ صحیح است.

به استناد مواد ۱۲، ۱۳، ۱۴ قانون حمایت خانواده

۴۴- کدامیک از دعاوی زیر حتی با توافق طرفین قابل طرح در شورا نیست؟

۱) دعاوی راجع به حجر و ورشکستگی و دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی

۲) دعاوی راجع به حجر و ورشکستگی و دعاوی مربوط به تخلیه عین مستأجره

۳) اختلاف در اصل وقفیت، تولیت و دعاوی مربوط به تخلیه عین مستأجره و گواهی انحصار ورثه

۴) دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی و گواهی انحصار ورثه و تحریر ترکه

۴۴- گزینه ۱ صحیح است.

به استناد مواد ۹ و ۱۰ قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۹۴

۴۵- در کدام مورد شوراها با تراضی طرفین برای صلح و سازش اقدام می نمایند؟

۱) کلیه امور مدنی و حقوقی - کلیه جرائم

۲) بعضی امور مدنی و حقوقی - کلیه جرائم قابل گذشت - جنبه خصوصی جرائم قابل گذشت

۳) کلیه جرائم قابل گذشت - جنبه ی خصوصی جرائم غیرقابل گذشت

۴) کلیه امور مدنی و حقوقی - کلیه جرائم قابل گذشت - جنبه خصوصی جرائم غیرقابل گذشت

۴۵- گزینه ۴ صحیح است.

به استناد ماده ی ۸ قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۹۴

۴۶- شورای حل اختلاف صلاحیت رسیدگی به کدامیک را ندارد؟

(۱) تأمین دلیل و دعاوی خانواده راجع به مهریه یا نفقه تا نصاب دویست میلیون ریال

(۲) تمام دعاوی مربوط به تخلیه عین مستاجر به جز سرقتی و حق کسب و پیشه

(۳) دعاوی تعدیل اجاره بها به شرط اینکه در رابطه استیجاری اختلاف نباشد.

(۴) دعاوی مالی راجع به اموال غیرمنقول و جرائم موجب حبس تعزیری درجه ۸

۴۶- گزینه ۴ صحیح است.

به استناد بند الف و ج ماده ی ۹ قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۹۴

۴۷- حکمی توسط شورای حل اختلاف صادر شده صدور اجرائیه با و اجرای آن با است و آرای شورای حل اختلاف قابل فرجام خواهی

(۱) شورای حل اختلاف- واحد اجرای احکام شورای حل اختلاف- نمی باشند.

(۲) واحد اجرای احکام شورای حل اختلاف- واحد اجرای احکام شورای حل اختلاف- می باشند.

(۳) واحد اجرای احکام شورای حل اختلاف- واحد اجرای احکام دادگستری- می باشند.

(۴) واحد اجرای دادگاه- واحد اجرای احکام دادگستری- نمی باشند.

۴۷- گزینه ۱ صحیح است.

به استناد ماده ی ۲۹ قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۹۴

۴۸- در صورت بروز اختلاف در صلاحیت شورای حل اختلاف با سایر مراجع غیردادگستری در یک حوزه قضایی حل اختلاف با؛

(۱) دیوان عدالت اداری است.

(۲) شعبه اول دادگاه عمومی حوزه قضایی مربوط است.

(۳) دیوان عالی کشور است.

(۴) دادگاه تجدیدنظر استان است.

۴۸- گزینه ۲ صحیح است.

به استناد ماده ی ۱۴ قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۹۴

۴۹- رأی دیوان عدالت اداری و رأی مرجع داوری به ترتیب؛

- (۱) هیچکدام حکم محسوب نمی شود چون مراجع صادرکننده آنها دادگاه محسوب نمی گردد.
- (۲) هر دو ممکن است حکم محسوب شوند اگر چه هیچ کدام دادگاه نیستند.
- (۳) فقط رأی دیوان عدالت اداری ممکن است حکم محسوب شود ولی رأی داوری حکم محسوب نمی شود.
- (۴) فقط رأی داوری ممکن است حکم محسوب شود ولی رأی دیوان حکم نیست چون دیوان دادگاه نمی باشد.

۴۹- گزینه ۳ صحیح است.

به موجب ماده ی ۲۹۹ ق.آ.د.م؛ چنانچه رأی دادگاه راجع به ماهیت دعوا و قاطع آن بطور کلی یا جزئی باشد حکم و در غیر اینصورت قرار نامیده می شود، مستفاد از ماده ی مذکور حکم دارای چهار عنصر است؛ ۱- در امور ترافعی صادر شده باشد ۲- از دادگاه صادر شده باشد ۳- راجع به ماهیت دعوا باشد- قاطع دعوا باشد.

۵۰- پرونده هایی که با صدور قرار عدم صلاحیت از مراجع قضایی دیگر به دیوان عدالت اداری ارسال می گردد مستلزم تقدیم دادخواست و پرداخت هزینه دادرسی

(۱) نمی باشد- می باشد

(۲) نمی باشد- نمی باشد

(۳) می باشد- می باشد

(۴) می باشد- نمی باشد

۲۲۶- گزینه ۲ صحیح است.

به استناد تبصره ی ۱ ماده ی ۱۶ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۹۲

۵۰- استرداد درخواست در دیوان عدالت اداری

(۱) امکان دارد تا قبل از صدور رأی

(۲) تا قبل از وصول پاسخ از طرف شکایت امکان دارد

(۳) تا قبل از ارسال دادخواست برای طرف شکایت امکان دارد

(۴) تا قبل از صدور رأی امکان دارد/

بخش دوم:

۵۶۵- چنانچه محکوم علیه تا روز از تاریخ ابلاغ ضمن ارائه صورت کلیه اموال خود دعوای اعسار از را مطرح نماید حبس نمی شود مگر اینکه دعوای اعسار مسترد یا به موجب حکم قطعی رد شود.

(۱) بیست روز - حکم - محکوم به یا هزینه دادرسی

(۲) سی روز - اجرائیه - محکوم به

(۳) سی روز - حکم - محکوم به یا هزینه دادرسی

(۴) بیست روز - اجرائیه - محکوم به

۵۶۵- گزینه ۳ صحیح است.

به استناد ماده ی ۳ قانون نحوه ی اجرای محکومیت های مالی

۵۶۶- به موجب قانون نحوه ی اجرای محکومیت های مالی؛

(۱) اصل بر ملائت مدیون است مگر در مواردی که مال تلف حقیقی شده باشد یا مدیون در عوض دین مالی دریافت نموده باشد که در این صورت شهادت ۲ شاهد و بدون سوگند ادعای اعسار ثابت می گردد.

(۲) در مواردی که وضعیت سابق مدیون دلالت بر ملائت وی داشته یا مدیون در عوض دین مالی دریافت کرده باشد اصل بر ملائت وی و بار اثبات اعسار برعهده ی اوست.

(۳) در مواردی که مدیون ثابت کند مال تلف حقیقی یا حکمی شده یا در عوض دین مالی دریافت نکرده اصل بر اعسار او است و با سوگند وی پذیرفته می شود.

(۴) گزینه ی ۲ و ۳ صحیح است.

۵۶۶- گزینه ۴ صحیح است.

به استناد ماده ی ۷ قانون نحوه ی اجرای محکومیت های مالی

۵۶۷- در چه صورتی مطالبه خسارت های تاخیر انجام تعهد مستلزم تقدیم دادخواست نیست؟

(۱) در مواردی که دعوای مطالبه خسارت مستقلا یا بعد از ختم دادرسی مطرح شود.

(۲) در مواردی که دعوای مطالبه خسارت مستقلا مطرح می شود.

(۳) در مواردی که دعوای مطالبه خسارت بعد از ختم دادرسی مطرح می شود.

(۴) در غیر مواردی که دعوای مطالبه خسارت مستقلا یا بعد از ختم دادرسی مطرح شود.

۵۶۷- گزینه ۴ صحیح است.

به استناد تبصره ی ۱ ماده ی ۵۱۵ ق.آ.د.م

۵۶۸- کدام مورد از مستثنیات دین می باشد؟

(۱) آذوقه موجود

(۲) منزل مسکونی که عرفا در شأن محکوم علیه است.

(۳) اثاثیه مورد نیاز زندگی

(۴) تلفن مورد نیاز مدیون و مبلغ رهن پرداختی به موجب شرط اینکه پرداخت اجاره بها بدون آن موجب عسر و حرج باشد.

۵۶۸- گزینه ۴ صحیح است.

به استناد ماده ی ۲۴ قانون نحوه ی اجرای محکومیت های مالی؛ منزل مسکونی که عرفا در شأن محکوم علیه در حالت اعسار اوست و اثاثیه منزل مورد نیاز زندگی که برای رفع حوائج ضروری محکوم علیه و افراد تحت تکفل او لازم است و آذوقه موجود به قدر احتیاج از مستثنیات دین محسوب می گردد.

۵۶۹- در حوزه قضایی شهرستان هایی که دادگاه خانواده تشکیل نشده است به امور و دعاوی خانوادگی در کدام دادگاه رسیدگی می شود؟

(۱) دادگاه عمومی حقوقی مستقر در آن حوزه با رعایت تشریفات قانون آیین دادرسی مدنی

(۲) دادگاه خانواده نزدیکترین حوزه قضایی

(۳) دادگاه عمومی حقوقی مستقر در آن حوزه با رعایت تشریفات قانون حمایت خانواده

(۴) دادگاه خانواده نزدیکترین شهرستان

۵۶۹- گزینه ۳ صحیح است.

به استناد تبصره ی ۱ ماده ی ۱ قانون حمایت خانواده

۵۷۰- با توجه به قانون حمایت خانواده هر گاه خواهان خوانده را مجهول المکان معرفی کند؛

(۱) از طریق انتشار آگهی در روزنامه کثیرالانتشار ابلاغات به وی صورت می گیرد.

(۲) باید آخرین اقامتگاه او را به دادگاه اعلام کند، دادگاه به طریق مقتضی در این مورد تصمیم می گیرد.

(۳) دادخواست وی رد میشود.

(۴) باید به طریق مقتضی محل اقامت خوانده را معین کند وگرنه دادخواست وی رد می شود.

۵۷۰- گزینه ۲ صحیح است.

به استناد تبصره ی ماده ی ۸ قانون حمایت خانواده

۵۷۱- دادگاه خانواده با حضور تشکیل می شود و ارجاع به داوری در مورد درخواست طلاق

(۱) رئیس یا دادرس علی البدل و قاضی مشاور زن - ضروری است.

(۲) رئیس یا دادرس علی البدل و قاضی مشاور زن - در طلاق توافقی ضرورتی ندارد.

(۳) رئیس و دادرس علی البدل و قاضی مشاور زن - ضروری است.

(۴) رئیس و دادرس علی البدل و قاضی مشاور زن - منوط به درخواست طرفین است.

۵۷۱- گزینه ۲ صحیح است.

به استناد مواد ۲ و ۲۷ قانون حمایت خانواده

۵۷۲- رسیدگی به کدامیک از موارد زیر در صلاحیت دادگاه خانواده نمی باشد؟

(۱) امور مربوط به ناظر

(۲) تغییر جنیست

(۳) اهدای جنین

(۴) هیچکدام

۵۷۲- گزینه ۴ صحیح است.

به استناد بندهای ۱۳، ۱۷ و ۱۸ ماده ی ۴ قانون حمایت خانواده، هر سه در صلاحیت دادگاه خانواده است.

۵۷۳- تصمیم مراجع عالی اقلیت های زرتشتی در مورد نکاح؛

(۱) توسط اعضای مجمع اقلیت های زرتشتی با رعایت تشریفات تنفیذ و اجرا می گردد.

(۲) توسط محاکم قضایی با رعایت تشریفات تنفیذ و اجرا می گردد.

(۳) توسط اعضای مجمع اقلیت های زرتشتی بدون رعایت تشریفات تنفیذ و اجرا می گردد.

(۴) توسط محاکم قضایی بدون رعایت تشریفات تنفیذ و اجرا می گردد.

۵۷۳- گزینه ۴ صحیح است.

به استناد تبصره ی ماده ی ۴ قانون حمایت خانواده

۵۷۴- اگر زوج متقاضی طلاق باشد و یا طرفین متقاضی طلاق توافقی باشند صادر می گردد و اگر زوجه متقاضی طلاق باشد صادر می گردد و اعتبار گواهی عدم امکان سازش است.

(۱) حکم - حکم - شش ماه

(۲) حکم - گواهی عدم امکان سازش - سه ماه

۳) گواهی عدم امکان سازش - حکم - سه ماه

۴) گواهی عدم امکان سازش - گواهی عدم امکان سازش - سه ماه

۵۷۴- گزینه ۳ صحیح است.

به استناد ماده ی ۲۶ و ۳۴ قانون حمایت خانواده

۵۷۵- کدام گزینه صحیح است؟

۱) رسیدگی قاضی شورا از حیث اصول و قواعد، فقط تابع مقررات آیین دادرسی کیفری است.

۲) رسیدگی قاضی شورا از حیث اصول و قواعد، فقط تابع مقررات آیین دادرسی مدنی است.

۳) رسیدگی قاضی شورا از حیث اصول و قواعد، تابع مقررات قوانین آیین دادرسی مدنی و کیفری نیست.

۴) رسیدگی قاضی شورا از حیث اصول و قواعد، تابع مقررات قوانین آیین دادرسی مدنی و کیفری است.

۵۷۵- گزینه ۴ صحیح است.

به استناد ماده ی ۱۸ قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۹۴

۵۷۶- حکم انتصاب قاضی شورا توسط و حکم انتصاب هر یک از اعضای شورا پس از احراز شرایط مقرر در قانون با صادر می شود.

۱) رئیس کل دادگستری - با پیشنهاد رئیس کل دادگستری و توسط رئیس مرکز امور شوراها

۲) رئیس قوه قضائیه - با پیشنهاد رئیس کل دادگستری توسط رئیس مرکز امور شوراها

۳) رئیس قوه قضائیه - با پیشنهاد رئیس قوه قضائیه توسط رئیس کل دادگستری

۴) رئیس کل دادگستری - با پیشنهاد رئیس کل دادگستری شورای حل اختلاف استان

۵۷۶- گزینه ۲ صحیح است.

به استناد ماده ی ۵ قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۹۴

۵۷۷- در دیوان عدالت اداری جلب شخص ثالث؛

۱) ضمن دادخواست اصلی یا جداگانه - حداکثر ظرف سی روز پس از ثبت دادخواست اصلی امکان پذیر است.

۲) صرفا به موجب دادخواست جداگانه - ظرف ۳ روز پس از ثبت دادخواست اصلی امکان پذیر است.

۳) صرفا به موجب دادخواست جداگانه - حداکثر ۳۰ روز پس از ثبت دادخواست اصلی امکان دارد.

۴) ضمن دادخواست اصلی یا جداگانه - حداکثر ظرف ۳ روز پس از ثبت دادخواست اصلی امکان پذیر است.

۵۷۷- گزینه ۱ صحیح است.

به استناد ماده ی ۵۴ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۹۲

۵۷۸- در صورتی که محتوای شکایت و دادخواست مطروحه در شعبه دیون عدالت اداری حاوی مطالبی علیه شخص ثالث باشد؛

(۱) دادخواست محکوم به رد می شود.

(۲) این امر مانع رسیدگی شعبه به پرونده است.

(۳) این امر مانع رسیدگی شعبه به پرونده نیست.

(۴) دادخواست ابطال می گردد.

۵۷۸- گزینه ۳ صحیح است.

به استناد ماده ی ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری؛ در صورتی که محتوای شکایت و دادخواست مطروحه در شعبه دیوان حاوی مطالبی علیه شخص ثالث نیز باشد این امر مانع رسیدگی شعبه به پرونده نیست.

۵۷۹- کدام گزینه صحیح است؟

(۱) شاکی می تواند تا قبل از صدور رأی در دیوان عدالت خواسته خود را اصلاح کند قبول تقاضای اصلاح خواسته پس از ارسال دادخواست و ضمائم آن برای طرف شکایت مشروط به این است که به تشخیص شعبه ماهیت خواسته تغییر نکرده باشد و شعبه بتواند بدون نیاز به ارسال مجدد دادخواست براساس دادخواست اصلاح شده رأی صادر نماید.

(۲) شاکی می تواند تا قبل از جلسه رسیدگی در دیوان عدالت خواسته خود را اصلاح کند قبول تقاضای اصلاح خواسته پس از ارسال دادخواست و ضمائم آن برای طرف شکایت مشروط بر این است که ماهیت خواسته تغییر نکرده باشد و میزان آن افزایش نیافته باشد.

(۳) شاکی می تواند تا قبل از جلسه رسیدگی در دیوان عدالت خواسته خود را افزایش دهد قبول تقاضای افزایش خواسته پس از ارسال دادخواست و ضمائم آن برای طرف شکایت مشروط به این است که به تشخیص شعبه ماهیت خواسته تغییر نکرده باشد شعبه بتواند بدون نیاز به ارسال مجدد دادخواست بر اساس دادخواست اصلاح شده رأی صادر نماید.

(۴) هیچکدام

۵۷۹- گزینه ۱ صحیح است.

به استناد ماده ی ۴۹ قانون دیوان عدالت اداری ۹۲

۵۸۰- کدامیک مربوط به سازمان قضاوتی دیوان عدالت اداری است؟

(۱) شعب بدوی- شعب استثنایی- شعب تجدیدنظر- هیات عمومی

(۲) شعب بدوی- شعب تجدیدنظر- هیأت عمومی

(۳) شعب بدوی- شعب استثنایی- هیأت عمومی

۴) شعب بدوی - شعب تجدیدنظر - هیأت عمومی - هیأت های تخصصی

۵۸۰- گزینه ۴ صحیح است.

به استناد ماده ی ۲ قانون دیوان عدالت اداری ۹۲

۵۸۱- اموری که مطابق قانون در صلاحیت هیأت عمومی دیوان است ابتدا به مرکب از ارجاع می شود رسمیت این جلسات منوط به حضور اعضاء است.

۱) هیأت های تخصصی - حداقل ۲۰ نفر از قضات دیوان - دوسوم اعضا

۲) هیئت های تخصصی - حداقل ۱۵ نفر از قضات دیوان - دوسوم اعضا

۳) مجمع عمومی هیأت - حداقل ۲۰ نفر از قضات دیوان - سه چهارم اعضا

۴) مجمع عمومی هیأت - حداقل ۱۵ نفر از قضات دیوان - سه چهارم اعضا

۵۸۱- گزینه ۲ صحیح است.

به استناد ماده ی ۸۴ قانون دیوان عدالت اداری ۹۲

۵۸۲- هزینه ی دادخواست اعاده دادرسی در دیوان عدالت و رسیدگی به دادخواست اعاده دادرسی در صلاحیت است.

۱) برابر هزینه تقدیم دادخواست به شعبه تجدیدنظر دیوان است - شعبه تجدیدنظر دیوان

۲) برابر هزینه تقدیم دادخواست به هیأت عمومی دیوان است - شعبه صادرکننده ی حکم قطعی

۳) برابر هزینه تقدیم دادخواست به شعب تجدیدنظر دیوان است - شعبه صادرکننده ی حکم قطعی

۴) برابر هزینه تقدیم دادخواست به هیأت عمومی دیوان است - شعب مخصوص رسیدگی به اعاده دادرسی

۵۸۲- گزینه ۳ صحیح است.

به استناد مواد ۱۰۱ و ۱۰۲ قانون دیوان عدالت اداری ۹۲

۵۸۳- رأی داور در کدامیک از موارد ذیل قابل اجرا نیست؟

۱) هرگاه موضوع آن مال غیرمنقول باشد.

۲) هرگاه موضوع آن معین نیست.

۴) هرگاه موضوع آن از موارد مالکیت معنوی باشد.

۴) همه موارد

۵۸۳- گزینه ۲ صحیح است.

به استناد ماده ی ۲۸ قانون اجرای احکام مدنی

۵۸۴- در کدامیک از موارد ذیل اجرائیه صادر نمی شود؟

- (۱) هرگاه حکم دادگاه جنبه ی اعلامی داشته باشد.
- (۲) هرگاه حکم دادگاه مستلزم انجام عملی از طرف محکوم علیه نیست و جنبه اعلامی دارد.
- (۳) هرگاه موسسات دولتی طرف دعوی نبوده ولی اجرای حکم باید بوسیله آنها صورت گیرد.
- (۴) همه موارد صحیح است.

۵۸۴- گزینه ۴ صحیح است.

به استناد ماده ی ۴ قانون اجرای احکام مدنی

۵۸۵- رفع کدام یک از موارد ذیل در صلاحیت دادگاه صادرکننده ی حکم قطعی (تجدیدنظر) است؟

- (۱) اختلافات ناشی از اجرای حکم
- (۲) هرگاه در جریان اجرای حکم اشکالی پیش آید.
- (۳) اختلافات راجع به مفاد حکم
- (۴) هر سه مورد

۵۸۵- گزینه ۳ صحیح است.

به استناد مواد ۲۵، ۲۶، ۲۷ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۵۶ گزینه های ۱ و ۲ در صلاحیت دادگاه نخستینی است که حکم را اجرا می نماید و گزینه ی ۳ در صلاحیت دادگاه صادرکننده حکم.

۵۸۶- چنان چه مبلغ مندرج در اجرائیه کمتر از مبلغ محکوم به مندرج در حکم باشد؛

- (۱) اصلا اجرائیه در صلاحیت اجرا است.
- (۲) دادگاه می تواند رأساً آن را اصلاح کند.
- (۳) دادگاه فقط در صورت درخواست محکوم له می توان آن را اصلاح کند.
- (۴) دادگاه فقط در صورت اقامه ی دعوی اصلاح اجرائیه می توان آن را اصلاح کند.

۵۸۶- گزینه ۲ صحیح است.

به استناد ماده ی ۱۱ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۵۶

۵۸۷- هرگاه محکوم به قابل تقویم نباشد؛

(۱) محکوم له مکلف است دعوی خسارت اقامه نماید.

(۲) محکوم له می تواند به جای آن مال دیگری درخواست کند.

(۳) محکوم علیه مکلف است مثل آن را تهیه و به محکوم له بدهد.

(۴) محکوم له می تواند دعوی خسارت اقامه نماید.

۵۸۷- گزینه ۴ صحیح است.

به استناد ماده ی ۴۶ قانون اجرای احکام مدنی

۵۸۸- کدامیک از موارد ذیل صحیح نیست؟

(۱) هرگاه مالی از محکوم علیه در قبال خواسته یا محکوم به توقیف شده باشد محکوم علیه می تواند تا یک بار بعد از شروع به عملیات راجع به فروش درخواست تبدیل مالی را که توقیف شده به مال دیگری بنماید.

(۲) محکوم له می تواند یک بار تا قبل از شروع به عملیات راجع به فروش درخواست تبدیل مال توقیف شده را بنماید.

(۳) هرگاه مالی از محکوم علیه تأمین و توقیف شده باشد استیفا محکوم به از همان مال به عمل می آید آن که مال تأمین شده تکافوی محکوم به را نکند که در این صورت از سایر اموال محکوم علیه معادل بقیه ی محکوم به توقیف می گردد.

(۴) از اموال محکوم علیه به میزانی توقیف می شود که معادل محکوم به و هزینه های اجرایی باشد.

۵۸۸- گزینه ۱ صحیح است.

به استناد ماده ی ۵۳ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۵۶؛ «هرگاه مالی از محکوم علیه در قبال خواسته یا محکوم به توقیف شده باشد محکوم علیه می تواند یکبار تا قبل از شروع به عملیات راجع به فروش درخواست تبدیل مالی را که توقیف شده به مال دیگری بنماید...»

۵۸۹- هرگاه حال متعلق به محکوم علیه نزد شخص ثالث باشد شخص ثالث پس از ابلاغ اخطار توقیف؛

(۱) مکلف است سریعاً مال را به محکوم علیه یا محکوم له بدهد.

(۲) می توان آن را به محکوم له بدهد یا آن را سریعاً به محل قید شده در اخطاریه تحویل دهد.

(۳) فقط می تواند آن را به محکوم له پس دهد.

(۴) نباید مال را به محکوم علیه بدهد.

۵۸۹- گزینه ۴ صحیح است.

به استناد ماده ی ۸۸ قانون اجرای احکام مدنی ۵۶

۵۹۰- کدامیک از موارد ذیل صحیح نیست؟

(۱) دادخواست اعسار از اشخاص حقوقی پذیرفته نمی شود.

۲) دعوای اعسار از دعوای غیرمالی است و در مرحله ی بدوی و تجدیدنظر خارج از نوبت رسیدگی می شود.

۳) هر یک از محکوم له و یا محکوم علیه می توانند با تقدیم دادخواست تعدیل اقساط را از دادگاه بخواهند.

۴) دعوای اعسار در مورد محکوم له در دادگاه نخستین رسیدگی کننده به دعوای اصلی یا دادگاه صادرکننده اجرائیه به طرفیت محکوم علیه اقامه می شود.

۵۹۰-گزینه ۴ صحیح است.

به استناد تبصره ی ۲ ماده ۱۱ و ماده ی ۱۴ و ماده ی ۱۵ قانون نحوه ی اجرای محکومیت های مالی مصوب ۹۴

همچنین به استناد ماده ی ۱۳ این قانون؛ «دعوای اعسار در مورد محکوم به در دادگاه نخستین رسیدگی کننده به دعوای اصلی یا دادگاه صادرکننده ی اجرائیه و به طرفیت محکوم له اقامه می شود.»

۵۹۱-الصاق استثنهاده به دادخواست

۱) در هیچ دعوایی لازم نمی باشد و ذکر اسامی شهود و مشخصات آنها کفایت می کند.

۲) در هیچ دعوایی لازم نیست مگر در خصوص دعوای اعسار که شهادت نامه کتبی حداقل دو شاهد لازم است.

۳) در تمامی دعوای که شهادت شهود به عنوان دلیل ابراز شده الزامی است.

۴) در هیچ دعوایی لازم نیست مگر در خصوص دعوای اعسار که شهادت نامه کتبی حداقل چهار شاهد لازم است.

۵۹۱-گزینه ۳ صحیح است.

به استناد ماده ی ۸ قانون نحوه ی اجرای محکومیت های مالی

۵۹۲- در خصوص مندرجات الزامی فرم صورت اموال مدعی اعسار کدام گزینه صحیح نیست؟

۱) کلیه اموال که مدعی اعسار به هر نحو نزد اشخاص ثالث دارد.

۲) فهرست نقل و انتقالات و هر نوع تغییر دیگر در اموال مدعی اعسار از زمان دو سال قبل از طرح دعوی اعسار

۳) تعداد یا مقدار و قیمت کلیه ی اموال منقول و غیرمنقول

۴) میزان وجوه نقدی که مدعی اعسار به هر عنوان نزد بانک ها و یا موسسات مالی و اعتباری ایرانی و خارجی دارد.

۵۹۲-گزینه ۲ صحیح است.

به استناد ماده ی ۸ قانون نحوه ی اجرای محکومیت های مالی دقت شود که در گزینه ی ۴ مدت مزبور یک سال قبل از طرح دعوی اعسار است.

۵۹۳- هرگاه وضعیت سابق مدیون دلالت بر ملأئت وی داشته باشد اثبات اعسار

۱) برعهده ی دائن است مگر اینکه مدیون در عوض دین مالی دریافت کرده باشد.

۲) برعهده ی اوست مگر اینکه مدیون در عوض دین مالی دریافت کرده باشد.

۳) برعهده ی اوست.

۴) برعهده ی دائن است حتی اگر مدیون در عوض دین مالی دریافت کرده باشد.

۵۹۳- گزینه ۳ صحیح است.

به استناد ماده ی ۷ قانون نحوه ی اجرای محکومیت های مالی

۵۹۴- درخواست اجرای مفاد اسناد رسمی در مورد مهریه و تعهداتی که ضمن ثبت ازدواج و طلاق و رجوع شده نسبت به اموال منقول و سایر تعهدات از و نسبت به اموال غیرمنقول که در دفتر املاک به ثبت رسیده است از به عمل می آید.

۱) دفتری که سند را تنظیم کرده است- دفتر اسناد رسمی تنظیم کننده ی سند

۲) دفتری که سند را تنظیم کرده است- اداره ی ثبت اسناد و املاک

۳) اداره ی ثبت اسناد و املاک- اداره ی ثبت اسناد و املاک

۴) دفتر اسناد رسمی- اداره ی ثبت اسناد و املاک

۵۹۴- گزینه ۱ صحیح است.

به استناد بند ج ماده ی ۲ آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرایی مصوب ۸۷

۵۹۵- کدامیک از عبارات ذیل صحیح نیست؟

۱) سند لازم الاجرا سند رسمی یا عادی است که بدون صدور حکم از دادگاه قابل صدور اجرائیه برای اجرای مدلول سند باشد.

۲) صورتجلسه سندی است که مقامی رسمی در جریان اجرای مفاد سند، عملی را در آن ثبت می کند.

۳) حافظ کسی است که ادارات اجرای اسناد رسمی مال توقیف شده را نزد او به امانت می گذارند تا حفظ و نگهداری کند.

۴) سند ذمه سندی است که دلالت بر عقد رهن یا معامله با حق استرداد دارد.

۵۹۵- گزینه ۴ صحیح است.

به استناد ماده ی ۱ آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا؛ سند ذمه؛ سند حاکی از تعهد مدیون به پرداخت وجه نقد یا پرداخت جنس یا تعهد به فعل معین که در اصطلاحات ثبتی در معنای مقابل اسناد مربوط به معاملات با حق استرداد بکار می رود.

۵۹۶- هرگاه احدی از ورثه قبل از صدور اجرائیه دین مورث خود را پرداخت نمایند؛

۱) پرداخت کننده به عنوان قائم مقام طلبکار می تواند علیه هر کدام از ورثه نسبت به کل ارث مبادرت به صدور اجرائیه کند.

۲) پرداخت کننده به عنوان قائم مقام طلبکار می تواند علیه سایر وراث نسبت به سهم الارث آنها مبادرت به صدور اجرائیه نماید.

۳) پرداخت کننده به عنوان طلبکار می تواند علیه سایر وراث نسبت به تمام ارث درخواست صدور اجرائیه کند.

۴) هیچکدام صحیح نیست.

۵۹۶- گزینه ۲ صحیح است.

به استناد ماده ۷ آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرایی مصوب ۸۷

۵۹۷- کدام گزینه صحیح نیست؟

۱) با ادعای گم شدن قبوض اقساطی اجرائیه صادر نخواهد شد.

۲) معرفی مطالبات از طرف متعهد در صورت قبول متعهدله اشکال ندارد مگر اینکه مطالبات موجد باشد.

۳) در صورتی که مال به آسانی قابل فروش باشد نمی تواند آن را به مال دیگری تبدیل کرد مگر به رضای ذینفع

۴) هرگاه اجرائیه قبل از اعلام ورشکستگی متعهد صادر و به او ابلاغ و اقدامات اجرایی انجام شده باشد و حکم بدوی ورشکستگی فسخ و این حکم قطعی شود نیازی به تجدید عملیات قانونی انجام شده نیست.

۵۹۷- گزینه ۲ صحیح است.

به استناد مواد ۱۲، ۱۱، ۲۶ آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا و ...

همچنین به استناد ماده ۲۳ این قانون؛ معرفی مطالبات از طرف متعهد در صورت قبول متعهدله اشکال ندارد هر چند که مطالبات موجد باشد.

۵۹۸- براساس قانون آیین دادرسی کار در کدام یک از موارد زیر اعضای مرجع رسیدگی حق حضور در جلسه و مشارکت در رسیدگی را ندارند؟

۱) هرگاه همسر عضو مرجع با یکی از اصحاب دعوا قرابت نسبی درجه ۲ از طبقه اول داشته باشد.

۲) چنانچه عضو مرجع از قبل در همان پرونده بعنوان کارشناس اظهارنظر کرده باشد.

۳) هرگاه عضو مرجع قیم فرزند یکی از طرفین باشد.

۴) همه موارد

۵۹۸- گزینه ۴ صحیح است.

به استناد ماده ۷۹ قانون آیین دادرسی کار مصوب ۹۱

۵۹۹- کدامیک از موارد زیر صحیح نیست؟

۱) مرجع حل اختلاف کار موظف است در هر دعوا بطور خاص تعیین تکلیف نماید نه به صورت عام و کلی

۲) رسیدگی به دعوا در مراجع حل اختلاف کار در سه مرحله بدوی، تجدیدنظر و فرجام صورت می گیرد مگر در مواردی که قانون ترتیب دیگری معین کرده است.

۳) چنانچه هیأت حل اختلاف؛ هیأت تشخیص را صالح به رسیدگی بداند هیات تشخیص مکلف به تبعیت از تصمیم هیأت حل اختلاف می باشد.

۴) تمامی گزینه ها صحیح است.

۵۹۹-گزینه ۲ صحیح است.

به استناد مواد ۵، ۶، ۱۵ قانون آیین دادرسی کار

۶۰۰- مطابق قوانین آیین دادرسی کار خواهان می تواند تا دادخواست یا دعوای خود را مسترد کند در این صورت صادر می گردد.

۱) جلسه اول دادرسی - قرار ابطال دادخواست

۲) پایان جلسه اول رسیدگی - قرار رد دادخواست

۳) قبل از صدور رأی - قرار ابطال دادخواست

۴) قبل از ختم دادرسی - قرار رد دعوی

۶۰۰-گزینه ۳ صحیح است.

به استناد ماده ی ۶۶ قانون آیین دادرسی کار

۶۰۱- چنانچه بین طرفین دعوای کار همزمان دعوای مرتبطی با دعوای مطروحه در مرجع حل اختلاف، در مرجع دیگری مورد رسیدگی باشد؛ که نتیجه آن موثر در رأی باشد؛

۱) پرونده به دادگاه کیفری ارسال می شود تا بصورت توأمان رسیدگی شود.

۲) قرار اناطه صادر خواهد شد.

۳) صدور رأی موکول به تعیین تکلیف دعوای کیفری خواهد بود.

۴) رسیدگی متوقف می شود و پرونده بایگانی می شود.

۶۰۱-گزینه ۳ صحیح است.

به استناد ماده ی ۷۰ قانون آیین دادرسی کار

۶۰۲- رأی هیأت تشخیص (مندرج در قانون کار)؛

۱) قطعی و غیرقابل اعتراض است.

- ۲) در تمامی موارد ظرف ۱۵ روز و درمورد پیمان های دسته جمعی ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در دادگاه عمومی است.
- ۳) در تمام موارد ظرف ۱۵ روز و درمورد پیمان های دسته جمعی ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در دیوان عدالت اداری است.
- ۴) در تمام موارد ظرف ۱۵ روز و در مورد پیمان های دسته جمعی ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در هیأت حل اختلاف است.
- ۶۰۲- گزینه ۴ صحیح است.

به استناد تبصره ی ماده ی ۱۵۷ قانون کار- (رجوع کنید به کتاب؛ دکتر شمس؛ عبدالله، جلد نخست، ش ۹۲ و ۹۳)

۶۰۳- تصمیم در امور حسبی قابل تجدیدنظر و فرجام خواهی

۱) نیست- مگر موارد مصرح

۲) نیست

۳) است

۴) است مگر مور مصرح

۶۰۳- گزینه ۱ صحیح است.

به استناد ماده ی ۲۷ ق.ا.ح تصمیمات دادگاه در امور حسبی قطعی است مگر آنچه در قانون تصریح شده است.

۶۰۴- وراثی که ترکه را قبول کرده است حق رد آن را و اگر تمام ورثه ترکه را رد نمایند

۱) ندارد- در حکم ترکه ی متوفای بلاوارث است.

۲) ندارد- در حکم اموال بلاصاحب است.

۳) دارند تا زمانی که در ترکه تصرف ننموده اند- در حکم ترکه ی متوفای بلا وارث خواهد بود.

۴) دارند تا زمانی که ترکه مهر و موم نشده باشد- در حکم اموال بلاصاحب خواهد بود

۶۰۴- گزینه ۳ صحیح است.

به استناد مواد ۲۴۷ و ۲۵۴ قانون امور حسبی

۶۰۵- به موجب ماده ی ۱۵ قانون امور حسبی اشخاص ذینفع در موضوعات امور حسبی می توانند شخصا در دادگاه حاضر شوند و یا نماینده بفرستند نماینده مزبور

۱) صرفا باید از وکلای دادگستری انتخاب شود.

۲) هر کس که با وکالت نامه رسمی از ناحیه ذینفع معرفی شود

۳) منظور نمایندگان قانونی یا قضایی است.

۴) نمایندگان اعم از وکلای دادگستری یا غیر آن است.

۶۰۵- گزینه ۴ صحیح است.

به استناد ماده ی ۱۵ قانون امور حسبی

۶۰۶- امور راجع به غائب مفقود الاثر ابتدا با کدام دادگاه است؟

۱) دادگاهی که آخرین اقامتگاه غائب در آن محل می باشد.

۲) دادگاه محل اقامت ورثه غایب

۳) دادگاه محل وقوع حال غیرمنقول غائب

۴) دادگاه آخرین محل سکونت غائب

۶۰۶- گزینه ۱ صحیح است.

به استناد مواد ۱۲۶ تا ۱۲۹ قانون امور حسبی

۶۰۷- در مدت زمانی که ترکه تحریر می شود:

۱) دعاوی راجع به ترکه یا بدهی متوفی، توقیف می شود.

۲) عملیات اجرایی راجع به بدهی متوفی، معلق می ماند.

۳) در صورتی که اقامتگاه برخی ورثه معین نباشد تا به منظور تحریر ترکه احضار شوند عملیات مربوط به تحریر ترکه متوقف می شود.

۴) موارد مندرج در بندهای ۱ و ۲

۶۰۷- گزینه ۴ صحیح است.

به استناد مواد ۲۱۹ تا ۲۲۴ قانون امور حسبی.

۶۰۸- چنانچه وارث متوفی معلوم نباشد به درخواست دادستان یا اشخاص ذی نفع توسط دادگاه

۱) ناظر تعیین می شود.

۲) مدیر ترکه تعیین می شود.

۳) امین معین می شود.

۴) نیاز به تعیین شخص معینی نیست و دادستان رأساً از اموال متوفی محافظت می کند.

۶۰۸- گزینه ۲ صحیح است.

به استناد ماده ۳۲۷ قانون امور حسبی.

۶۰۹- اشخاصی که می توانند از تصمیم دادگاه دایر بر رد درخواست رفع حجر تقاضای تجدیدنظر کنند عبارتند از

(۱) محجور- قیم محجور- دادستان

(۲) محجور- قیم محجور

(۳) تصمیم به رد درخواست رفع حجر، قطعی و غیرقابل تجدیدنظر است.

(۴) فقط محجور

۶۰۹- گزینه ۱ صحیح است.

به استناد ماده ۶۶ قانون امور حسبی.